

عراق آمادگی خود را برای تخلیه کویت اعلام کرد



نظم نوین به سبک آمریکایی

برای کسانی که از بدو آغاز جنگ آمریکا و هم پیمانانش علیه عراق، این جنگ را محکوم کردند و بدون قائل شدن پیشروی ارزش برای ادعای نظامیان آمریکایی که می‌گفتند با دقتی مانند یک عمل جراحی اهداف نظامی را می‌کوبند و به غیر نظامیان کاری ندارند، فروریختن دهها هزار تن مواد منفجره بر شهرهای عراق را قتل عمد دهها هزار عراقی دانستند، صحنه‌های تکان دهنده‌ای که هفته گذشته توسط خبرنگاران از بغداد مخابره شد، با همه هولناکی، چیز تازه‌ای در برداشت، همه مامی دانستیم که این جنگ، قضایای بی‌رحمانه مردم عراق توسط نظامیان لجام گسیخته آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و سایرین است. این را نیز گفتیم و نوشتیم، صحنه‌های دردناکی که دیدیم، تنها اثباتی مجدد برای درستی این ارزیابی بود.

اصلا نباید در دام این بحث گرفتار آمد که پناهگاه مزبور مورد استفاده نظامی قرار داشته است یا نه، تردیدی وجود ندارد که آمریکا با آن همه وسایل و تجهیزات اکتشافی و جاسوسانی که دارد، آگاهی کامل داشته است که پناهگاه معین نابود شده، هر شب محل آسودن مردمی زجر دیده و بلاکشیده است که گمان می‌کرده‌اند در این پناهگاه از مرگ جمعی اهدائی جرج بوش درآمانند، هراهدائی جز این،

دروغ است. به تائید سخنگویان نظامی آمریکایی در عربستان، جنرال شوارتسکف هر روز فهرست اهداف حملات را جز به جز کنترل و آن را تأیید می‌کند. همه این اهداف مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. نظامیان آمریکایی با آگاهی کامل از وجود غیر نظامیان در پناهگاه، آن را نابود کرده‌اند. این جنایت، قابل توجیه نیست. انگیزه این وحشی‌گری را تنها این گونه می‌توان توضیح داد: کاخ سفید و پنتاگون تصمیم راسخ گرفته‌اند که اگر بتوانوا بکشتن صدگان نظامی و غیر نظامی عراقی، جان یک سرباز آمریکایی را در حمله زمینی با کشتن صدگان نظامی و غیر نظامی، جان یک سرباز آمریکایی را در حمله زمینی آتی نجات داد، نباید از دست زدن به آن جنایت فروگذار کرد. حساب آنها روشن است: در این دنیای ناعادلانه، آنچه ارزش ندارد جان انسانهای "جهان سومی" است، قربی‌ها تا نفس‌های نظامیان شان دسته دسته از جنگ برنگردد، "تکان" نمی‌خورند، پس برای اینکه "تکان" نخورند، باید دست به هر کاری زد تا شمار قربانیان مو بور و چشم آبی کمتر شود. به این حسابگری جنایتکارانه باید این را نیز افزود که آمریکایی‌ها برای سنجیدن واکنش افکار عمومی بین‌المللی، احتیاج به یک آزمایش داشتند. آنها بقیه در صفحه ۳

همراه باشد، بدون اینکه عراق به هر دلیلی متحمل عواقبی منفی گردد. بیانیه مزبور تأکید می‌کند آتش بس مورد نظر باید شامل "قطع فوری و کامل همه عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا" باشد. این بیانیه، خاطر نشان می‌سازد عقب نشینی عراق باید با عقب نشینی نیروهای آمریکا و همه کشورهای دیگری که در "تجاوز" شرکت کرده‌اند، از خلیج فارس و خاورمیانه همراه گردد، و همه نفرت و سلاحها از خلیج فارس بیرون برده شود، از جمله سلاح‌هایی که برخی کشورها در ارتباط با جنگ خلیج فارس به اسرائیل داده‌اند. بیانیه عراق می‌افزاید عقب نشینی در طرف باید ظرف یک ماه پس از برقراری آتش بس همه جانبه، به پایان رسد.

در بیانیه بغداد آمده است: "شورای فرماندهی انقلاب برای دستیابی به یک راه حل شرافتمندانه و پذیرفتنی سیاسی، تصمیم به قبول قطعنامه ۶۶۰ سال ۱۹۹۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد، از جمله بند مربوط به عقب نشینی عراق گرفته است." این بیانیه می‌افزاید عقب نشینی عراق باید با آتش بس و بازگشت اوضاع به حال عادی، به گونه‌ای که گویا حادثه‌ای رخ نداده است،

انقلاب عراق که صبح روز جمعه از رادیو بغداد خوانده شد، دولت این کشور خواهان برقراری فوری آتش بس، عقب نشینی نیروهای بیگانه از منطقه خلیج فارس، بخشودگی همه بدعی‌های خارجی عراق، بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ در عراق توسط کشورهای شرکت کننده در حمله به این کشور و نیز چشم پوشی از هرگونه اقدام انتقام جویانه علیه عراق شده است.

چهار هفته پس از آغاز جنگ خلیج فارس، روز جمعه ۲۶ بهمن (۱۵ فوریه) عراق بطور غیر منتظره‌ای اعلام کرد که آماده پیروی از قطعنامه ۶۶۰ سازمان ملل متحد و بیرون بردن نیروهایش از کویت است. این اعلام آمادگی به تحقق یک سلسله شرایط از جمله عقب نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی فلسطین، منوط شده است.



ریچار دچینی وزیر دفاع آمریکا، یک "بمب پرنده را که باید بر سر مردم عراق ریخته شود امضا می‌کند.

در حمله هوایی به یک پناهگاه صدها عراقی کشته شدند

آوردن بمب و انفجار بمب و آتش خفگی جان سپردند. آتش نشانی بغداد تا ساعتها پس از حمله آوار، در شعله‌های آتش و یا بر اثر

در نخستین ساعات با بمباران ۲۴ بهمن (۱۳ فوریه) یک پناهگاه غیر نظامی در بغداد هدف بمباران یک جنگنده بمب افکن آمریکایی از نوع اف ۱۱۷-ای (استلت) قرار گرفت. دو بمب به این هدف اصابت کرد و باعث انفجار شدیدی در درون پناهگاه شد. این پناهگاه از مدت‌ها پیش مورد استفاده مردم غیر نظامی بغداد قرار داشت و شب حادثه نیز، صدها نفر که اکثر آنها را زنان و کودکان و سالخورده‌گان تشکیل می‌دادند، از بمبارانهای موائی و موشکهای آمریکا و متحدانش به آن پناه

آوردن بمب و انفجار بمب و آتش خفگی جان سپردند. آتش نشانی بغداد تا ساعتها پس از حمله آوار، در شعله‌های آتش و یا بر اثر

در بیانیه عراق آمده است: "عقب نشینی عراق باید با عقب نشینی اسرائیل از فلسطین و مناطق اشغالی عربی و بلندی‌های جولان در انطباق با قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد همراه باشد. اگر اسرائیل از عقب نشینی خودداری کند، شورای امنیت سازمان ملل باید علیه اسرائیل همان قطعنامه‌هایی را که علیه عراق وضع کرد، تصویب کند."

بیانیه می‌افزاید: "حقوق تاریخی عراق در زمین و دریا باید مد نظر قرار گیرد. این بیانیه خاطر نشان می‌کند راه حل سیاسی باید در مورد کویت "اراده مردم دایر بر تحقق دموکراسی واقعی و نه امتیازات قبضی توسط خاندان صباح" را در نظر بگیرد. در ادامه بیانیه آمده است "همه نیروهای اسلامی و ملی باید در راه حل سیاسی در کویت شرکت داده بقیه در صفحه ۳



سیل زندگان به حال خود رها شده‌اند

خطر سیل مجدد این منطقه محروم را تهدید می‌کند

روزنامه‌های دولتی تهران حاکی از آن است که عملیات امداد رسانی به سیل‌زدهگان در وضعیت فوق‌العاده نازلی قرار دارد و دولت و نهادهای مسئول، قربانیان این فاجعه را در واقع به حال خود رها کرده‌اند. در حالیکه سران رژیم خود را با دادن وعده‌های شیرین در مورد حجم کمک‌ها و عملیات بازسازی مشغول کرده‌اند، خبرنگار اهرامی کیهان به منطقه (۱۶ بهمن) می‌نویسد: با گذشت ۵ روز از جاری شدن سیل، هنوز به‌بخش‌هایی از منطقه کمک

گزارش‌های رسیده از ایران حاکی است که بیش از صد هزار تن از قربانیان سیل اخیر در سیستان، بدون کمک‌های موثر دولتی به حال خود رها شده‌اند. سیل که از ۱۱ بهمن ماه گذشته با طغیان رودخانه هیرمند آغاز شد، بزرگترین سیل ۱۰۰ ساله اخیر کشور ما نامیده شده است. این سیل مناطق وسیعی از سیستان را دربر گرفت. بیش از ۱۰۰ هزار تن رابی خانمان ساخت و ۶۰۰ روستا را تخریب کرد و یا به‌تأصدمه رساند. خبرنگاران

خواهم کرد. خلخالی پس از آن به شرح جنایات خود در ترکمن صحرا پرداخت و گفت: یک روز احمد آقا تلفنی مرا احضار کرد. نزد امام رفتم و ایشان را در بستر بیماری دیدم. آقا گفت: ترکمن صحرا دراز دست می‌رود و من جز شما به کس دیگری اطمینان ندارم، آیا می‌توانی اوضاع را آرام کنی؟ گفتم: آقا به والله سر همه‌شان را برایتان می‌آورم. بر چهره خسته و بیمار آقا لبخندی ظاهر شد و ایشان در حق من دعا کردند. خلخالی سپس گفت: من با اعدام حدود ۲۰ نفر در آنجا توانستم اوضاع را آرام کنم. در اینجا دانشجویان انجمن اسلامی یک صدا به خنده افتادند و خلخالی که دریافته بود دروغش حتی برای دوستانش نیز باورکردنی نیست، خودش نیز به خنده افتاد و اضافه کرد: شاید آمار دقیق اعدام‌های گنبد نود و چند نفر باشد. وی به اعدام رهبران خلق ترکمن اعتراف کرد و گفت از جمله کسانی که در ترکمن صحرا اعدام کرده است توماج، واحدی و جرجانی بوده‌اند. خلخالی در ادامه سخنانش گفت: پس از بازگشت به تهران در بیمارستان قلب که امام در آن بستری بود، بدیدن ایشان رفتم. به محض ورود از من سوال کردند: گنبد چه شد؟ من گفتم: آقا قضیه گنبد دیگر تمام شد. آقا نفس راحتی کشیدند و مجدداً مرادها کردند. خلخالی بقیه در صفحه ۴

اخباری از درگیری‌های درونی رژیم ومبارزات مردم

نشریه "بانگ رهایی" ارگان کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) که به طور مخفیانه در ایران منتشر می‌شود، در شماره‌های شهریور - مهر و آبان خود اطلاعات تازه‌ای از درگیری‌های جناح‌های حکومتی در جریان انتخابات مجلس خبرگان و همچنین اعتراضات مردم علیه رژیم منتشر کرده است.

نشریه "بانگ رهایی" ارگان کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) که به طور مخفیانه در ایران منتشر می‌شود، در شماره‌های شهریور - مهر و آبان خود اطلاعات تازه‌ای از درگیری‌های جناح‌های حکومتی در جریان انتخابات مجلس خبرگان و همچنین اعتراضات مردم علیه رژیم منتشر کرده است.

نشریه "بانگ رهایی" ارگان کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) که به طور مخفیانه در ایران منتشر می‌شود، در شماره‌های شهریور - مهر و آبان خود اطلاعات تازه‌ای از درگیری‌های جناح‌های حکومتی در جریان انتخابات مجلس خبرگان و همچنین اعتراضات مردم علیه رژیم منتشر کرده است.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره فاجعه پناهگاه العاصیه بغداد نفرت بر قاتلان انسانهای بی گناه!

حمله وحشیانه هواپیماهای آمریکائی به یک پناهگاه زیر زمینی در بغداد و قتل تمام صدها انسان بیگناه تنها در ظرف چند ثانیه، لکه ننگی است که جنگ طلبان بر دامن بشریت نهادند. نه تلاشهای دولتمردان و ژنرالهای آمریکائی برای اثبات نظامی بودن این پناهگاه و توجیه این قتل عام و نه جنگ و جدالهای واشنگتن و بغداد برای مقصر جلوه دادن یکدیگر، چیزی از واقعیت تلخ این فاجعه تکان دهنده کم نمی کند. اکنون یک ماه است که آمریکا و هم پیمانانش به کشتار هر روزه مردم عراق و ویرانی و انهدام آن کشور مشغولند. در حالیکه پیش از شروع جنگ از پیر و زیمای سریع و برق آسا کم در سخن می رفت، یک ماه پس از آغاز شخم زدن هر روزه سرزمین عراق توسط انواع بمبها و موشکهای هنوز پایانی بر این تراژدی در دناک متصور نیست. آمریکائیان به بهانه آماده ساختن شرایط تهاجم زمینی و احتراز از دادن تلفات، به خاطر کشته شدن کمتر یک سرباز آمریکائی، گروه گروه مردم بیگناه منطقه را در آتش بمبهای خودی می سوزانند. چنین منطقی جنایتکارانه و غیر انسانی است. آنها به بهانه مبارزه با تجاوزگری و در حقیقت بخاطر تحکیم نقش خود بعنوان رهبر جهان به کشتار یک ملت و انهدام یک کشور کمر بسته اند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قتل عام وحشیانه صدها زن و کودک در پناهگاه العاصیه بغداد را با شدت تمام محکوم می کند. شورای مرکزی سازمان کشتار مردم عراق توسط آمریکا و متحدینش و موشک باران مردم کشورهای اسرائیل و عربستان توسط رژیم صدام رابه یکسان احمالی غیر انسانی می داند و آنها را محکوم می شناسد. فاجعه قتل عام انسانها در پناهگاه العاصیه و ریزش هر روز هزاران تن بمب و انواع موشک بر سر مردم بیگناه منطقه، بزرگترین دلیل جنایتکارانه بودن جنگ کنونی است. این جنگ باید بدون قید و شرط پایان یابد. جامعه جهانی میتواند و باید اراده خود برای خروج نیروهای چند ملیتی از منطقه، عقب نشینی عراق از کویت و حل سایر اختلافات در این منطقه را از طریق مسالمت آمیز، بر جنگ طلبان آمریکائی و دیکتاتور بغداد تحمیل کند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
پنجشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۶۹ (۱۴ ژانویه ۹۰)

جمهوری اسلامی و جنگ خلیج فارس صدام حسین پیشنهاد هاشمی رفسنجانی را رد کرد

است! اما مقامات جمهوری اسلامی هنوز حاضر نشده اند این موضوع را تأیید کنند. علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در روز ۲۲ بهمن گفت که ایران پاسخ صدام حسین را با حسن نیت تلقی کرده و امکان حل مسالمت آمیز بحران را منتفی نمی داند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی در کنفرانس مطبوعاتی خود در ژنو در ۲۵ بهمن ماه (۱۴ ژانویه) بار دیگر مدعی شد که پاسخ صدام حسین به برخی از پیشنهادهای ایران در مورد صلح امید جمهوری اسلامی را رد کرده است. ولایتی خاطر نشان ساخت پاسخ صدام حسین به پیام هاشمی رفسنجانی در تهران در دست مطالعه قرار دارد. وی

افزود صدام حسین در نامه خود به موضوعات مختلفی اشاره کرده است و من با توجه به این نامه می توانم به شما بگویم که امید ما تقویت شده است. او گفت ایران به زودی یک هیئت صلح به بغداد خواهد فرستاد. وی حاضر به اقبالی جزئیات نامه صدام حسین نشد و گفت امید ایران به صلح هم به سبب محتوای نامه صدام حسین است و هم در اثر دیدار فرستاده ویژه دولت شوروی به عراق، با مقامات جمهوری اسلامی در تهران می باشد. یوگنی پریماکف فرستاده ویژه دولت شوروی به عراق که روز سه شنبه هفته گذشته با صدام حسین در بغداد ملاقات کرد، پیش و بعد از سفر خود به پایتخت عراق در تهران توقف نمود و با مقامات

تلاش ناموفق غیر متعهدها

در مورد قطعنامه هاجیز نیست و تا مین حاکمیت کویت بر آتش بس تقدم دارد. چنین موضعی با موضوع بسیاری از کشورهای غیر متعهد تفاوت دارد. با این حال لازم به یادآوری است که کشورهای غربی درگیر در جنگ و به ویژه آمریکا در آستانه و جریان این اجلاس به تبلیغات زیادی در جهت برجسته کردن اختلافات میان کشورهای عضو، به منظور جلوگیری از تصویب یک طرح صلح جامع دست زدند. رژیم جمهوری اسلامی نیز در آستانه این جلسه با ارائه طرح صلح به شدت مخالفت کرده بود. به گزارش رادیو ایران یک منبع

نزدیک به هیئت ایرانی شرکت کننده در کنفرانس ضمن سخنانی پیرامون این مطلب خاطر نشان ساخت امکان ارائه طرح صلح بسیار کم است و هرگونه طرحی نیز به هیچ وجه امکان موفقیت ندارد. وی تأکید کرد اصرار برای ارائه طرح صلح از طرف بعضی کشورها می تواند اجلاس را به بن بست بکشاند و راه تلاشهای صلح در آینده را مسدود کند. علیرغم این موضوع جمهوری اسلامی جزو کشورهای ارائه دهنده طرح صلح به اجلاس بود. به گزارش خبرگزاری یونایتد هندوستان، جمهوری اسلامی و هندوستان یک طرح ۳ ماده ای

کردیم و هواپیماهای ما جلوی آنها ایستادند و نمی نشد که آنها را برگردانند. علی اکبر ولایتی نیز روز سه شنبه هفته گذشته در یک مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی بی اس آمریکا گفت: بعضی کشورها از بی طرفی مانا راضی هستند و پیرامون هواپیماها هیاهومی کنند. اما ما با آگاهی کامل نسبت به حقوق یک کشوری طرف عمل می کنیم. وی فاش ساخت که تعدادی از خلبانان این هواپیماها از جمهوری اسلامی تقاضای پناهندگی کرده اند. با توجه به اطمینان های مکرر دولت جمهوری اسلامی مبنی بر توقیف

پاسخ منفی صدام حسین به پیام کتبی هاشمی رفسنجانی در روز ۲۱ بهمن ماه کوشش جمهوری اسلامی برای بدست گرفتن ابتکار صلح در جنگ خلیج فارس به شکست انجامید. ابتکار صلح جمهوری اسلامی برای نخستین بار در کنفرانس مطبوعاتی ۱۵ بهمن ماه (۴ فوریه) رفسنجانی اعلام شد. وی در این کنفرانس اعلام کرد که از طریق سعدون حمادی معاون نخست وزیر عراق پیامی کتبی برای صدام حسین فرستاده و ایده های مطرح کرده که اگر رئیس جمهور عراق آنرا بپذیرد، آنگاه می توان طرح صلحی ارائه داد. بنا به گزارش خبرگزاری صدام حسین در پاسخ کتبی خود به هاشمی رفسنجانی پیشنهاد او را رد کرده

از جمله تلاشهای ناموفق برای صلح در هفته گذشته جلسه ویژه وزرای خارجه گروهی از کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در بلگراد بود. این اجلاس که در روز سه شنبه ۲۳ بهمن ماه کار خود را آغاز کرد، بدون اخذ نتیجه ای به پایان رسید. مواضع بسیار متفاوت کشورهای عضو که از مصر تا کوبا را در بر می گرفت، مانع دست یابی به هرگونه توافق و طرح مشخصی برای مقابله با جنگ خلیج فارس گردید. به گزارش رادیو آمریکا وزیر خارجه یوگسلاوی که ریاست جنبش را بر عهده دارد در سخنرانی خود تأکید کرد که هیچ گونه مصالحه ای

رفسنجانی: هواپیماها علیرغم میل ما آمدند

ماجرای فرار هواپیماهای عراقی به ایران همچنان در حاله ای از ابهام قرار دارد. در حالیکه بسیاری از مقامات سیاسی و نظامی غرب مدعی اند که فرار این هواپیماها با قرار قبلی طرفین در جریان سفر سرت ابراهیم معاون صدام حسین به تهران صورت گرفته. هفته گذشته سعدون حمادی معاون نخست وزیر عراق نیز بهنگام سفر خود به الجزایر این فرضیه را تأیید کرد و

واکنش مثبت جمهوری اسلامی نسبت به بیانیه شورای فرماندهی عراق ولایتی و میخائیل گارباچف در دیدار خود در مسکو بیانیه عراق را مثبت خواندند

جمهوری اسلامی ایران نیز به گروه کشورهای پیوسته که نسبت به بیانیه اخیر شورای فرماندهی انقلاب عراق، مبنی بر پذیرش مشروط قطعنامه ۶۶۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد، واکنش مثبت نشان داده اند. شورای عالی امنیت ملی به ریاست هاشمی رفسنجانی عصر روز شنبه ۲۷ بهمن (۱۶ ژانویه)، در یک جلسه فوق العاده بیانیه شورای فرماندهی عراق را مورد بررسی قرار داد. به گزارش رادیو تهران شورای عالی امنیت این بیانیه را اقدام مثبتی خواند که می تواند آغاز حرکتی در جهت پایان مسالمت آمیز جنگ زیانبار در خلیج فارس باشد. شورای عالی امنیت از تاخیر عراق در آنچه که پذیرش قطعنامه ۶۶۶ خواند، ابراز تاسف نمود و از طرف مقابل خواست که نسبت به این اقدام عراق حسن نیت نشان دهد. شورای عالی امنیت ملی در همین حال خاطر نشان ساخت که بمباران نقاط مسکونی عراق توسط نیروهای چند ملیتی را مقایسه با قطعنامه های سازمان ملل می داند.

پیش از این، علی اکبر ولایتی وزیر خارجه رژیم در مسکو، موضع مشابهی را اتخاذ کرده بود. ولایتی که پس از دیدار با جولینو آندرتوتی نخست وزیر ایتالیادر رم، به مسکو رفته بود، صبح روز شنبه با میخائیل گورباچف رئیس جمهور شوروی دیدار و گفتگو کرد. به گزارش خبرگزاری تاس

دیدار ولایتی با وزیر خارجه عربستان

دولت هاشمی رفسنجانی با استفاده از هنگامه ناشی از جنگ و دیپلماسی به شدت فعال خود، گامهای بزرگی در جهت برقراری رابطه با شیاطین کوچک و بزرگ به جلو برمی دارد. پس از هلنی شدن تماسهای دولت با آمریکا از طریق سفارت سوئیس توسط رفسنجانی، که هفته گذشته توسط ولایتی مجدداً مورد تأیید و تأکید قرار گرفت حکومت تهران اقدام موثری در جهت احیای رابطه با عربستان سعودی به عمل آورد. روز چهارشنبه ۲۴ بهمن (۱۳) ژانویه، علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حاشیه کنفرانس خلع سلاح در ژنوا شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان دیدار کرد. ولایتی در کنفرانس مطبوعاتی خود در ژنوا در توضیح ملاقات خود با سعود الفیصل خاطر نشان ساخت: ما در این دیدار نظرات اصلی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ در منطقه خلیج فارس را

گورباچف و ولایتی بیانیه دولت عراق را "نشانه مثبتی" در جهت پایان دادن به جنگ نامیدند. آنها خاطر نشان کردند که در همین حال بسیاری از مطالب این بیانیه به توضیحاتی بستگی دارد که طارق مزیز فرستاده ویژه دولت عراق در مسکو خواهد داد. وزیر خارجه عراق روز یکشنبه به مسکو رفت. مقامات شوروی و ایران در دیدار روز شنبه تأکید کردند که مواضع ایران و شوروی در مورد جنگ خلیج فارس بسیار بهم نزدیک است. آنها گفتند بسیار مهم است که از انهدام عراق، تجزیه آن و نیز بمباران و کشتار انسانهای بیگناه جلوگیری شود. در راستای تلاشهای مشترک دو کشور در جهت صلح گفته شد که بزودی الکساندر بسمرتینخ وزیر خارجه شوروی به ایران خواهد رفت. وزرای خارجه ایران و شوروی روز جمعه گذشته در جریان سفر ولایتی به مسکو نیز با یکدیگر دیدار کرده بودند.

به گزارش رادیو تهران، علی اکبر ولایتی ظهر روز شنبه به تهران بازگشت و در فرودگاه با سعدون حمادی معاون نخست وزیر عراق که همان روز وارد تهران شد دیدار و گفتگو کرد. از نتیجه این دیدار و نتایج سفر سعدون حمادی هنوز اطلاعاتی به دست ما نرسیده است. گزارش دیگری حاکیست که در اوایل هفته جاری یک هیئت ایرانی نیز به بغداد خواهد رفت. این هیئت در جریان سفر خود قرار است با صدام حسین دیدار کند.

اهلام کرده و ضمن بیان مخالفت خود با اشغال کویت، مخالفت جمهوری اسلامی نسبت به حضور نیروهای بیگانه در منطقه به ویژه سرزمین مقدس وحی را به وزیر خارجه عربستان اعلام کردیم. بنا به گزارشات منتشره در این ملاقات گفتگو پیرامون از سرگیری مناسبات دو جانبه بین جمهوری اسلامی و عربستان نیز مورد بررسی قرار گرفته است و درباره ادامه این مذاکرات توافق شده است. گزارش های دیگر حاکی از آن است که هر دو کشور برای از سرگیری مناسبات با احتیاط عمل می کنند و به ویژه جمهوری اسلامی جمله چندانی برای آماز و روابط رسمی ندارد. خط امامی نسبت به رابطه با عربستان سعودی حاسبت ویژه ای نشان می دهند. خمینی در وصیتنامه خود، "سران حجاز" را به شدت مورد حمله قرار داده و هرگونه رابطه با آنها را منع کرده بود.

اهلام آمادگی جمهوری اسلامی برای مداوای مجروحین عراقی

واکنشهای بسیار تندى نشان دادند. جمهوری اسلامی طی ۲ هفته گذشته با کمک صلیب سرخ جهانی ۲ محموله حاوی وسایل پزشکی و بهداشتی را نیز از طریق ایران به عراق فرستاده بود.

در حالیکه جمهوری اسلامی از ابراز واکنش رسمی از طریق بیانیه دولتی علیه جنایت وحشیانه آمریکا و کشتار صدها غیر نظامی عراقی در پناهگاه العاصیه عراق خودداری کرد. مقامات حکومتی در بیانات خود نسبت به این جنایت

عراق آمادگی خود را برای تخلیه کویت اعلام کرد

در حمله هوایی به یک پناهگاه صدها عراقی کشته شدند

بته از صحنه اول شونند. عراق در بیانیه خود خواهان لغو بدهی های عراق و همه کشورهای شده است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از جنگ آسیب دیده اند. این بیانیه می افزاید: «ما خواهان ایجاد رابطه میان کشورهای شروتمند و فقیر منطقه و جهان بر مبنای عدالت و بگونه ای هستیم که کشورهای فنی تعهدات صریح در پیشرفت کشورهای فقیر بعهد بگیرند».

دولت آمریکا بیانیه عراق را رد کرد. جرج بوش دولت عراق را متهم کرد. «امید مردم عراق و سراسر جهان را تبدیل به یاس کرده است. رئیس جمهور آمریکا گفت در پیشنهاد بغداد «چیز تازه ای وجود ندارد» و تنها عراق برای نخستین بار پذیرفته است که باید از کویت عقب نشینی کند. سخنگوی کاخ سفید اظهار داشت دولت آمریکا خواهان «تأمین فوری و مشخص» عراق در عقب نشینی از کویت است و افزود تعنامه شورای امنیت، خواهان

عقب نشینی بدون قید و شرط عراق شده است. این سخنگو گفت از آنجائی که در پیشنهاد عراق «نشانه ای از یک تحول» دیده نمی شود، جنگ تا «آزادی کویت» ادامه خواهد یافت.

شوروی آمادگی عراق برای عقب نشینی از کویت را مثبت ارزیابی کرد. وی تالی ایگناتکو سخنگوی گاریچف رئیس جمهور شوروی گفت: «خبر مثبت از بغداد، در مسکو با خرسندی و امید دریافت شد.» این سخنگو افزود کشورش اکنون بی صبرانه منتظر سفر طارق عزیز وزیر خارجه عراق است که روز یکشنبه ۲۸ بهمن (۱۷ فوریه) برای مذاکره پیرامون جنگ خلیج فارس به مسکو می رود. یک سخنگوی دیگر شوروی اظهار داشت بیانیه جدید عراق، تأییدی بر ارزیابی هائی است که دولت شوروی پس از تماسهای اخیر با رهبری عراق در بغداد بدان رسیده بود. این سخنگو گفت: «به نظر من

موضعگیری در این باره پیش از روشن شدن چند نکته، زود رس است.» وی افزود با این حال بیانیه عراق تا درجه معینی تأییدی بر محتوای گفتگوهای یوگنی پریماکف فرستاده ویژه گاریچف به عراق با مقامات این کشور است.

پریماکف هفته گذشته در بغداد با صدام حسین رئیس جمهور عراق مذاکره کرد تا راه های جلوگیری از آغاز جنگ زمینی را جستجو کند. وی در بازگشت از عراق گفت: «بارقه ای امید» می بیند.

دولت های انگلیس، فرانسه و آلمان موضعی مشابه موضع دولت آمریکا گرفتند و خواهان عقب نشینی بی قید و شرط عراق از کویت شدند. در همین حال سخنگوی وزارت خارجه فرانسه گفت باید منتظر بود و دید طارق عزیز در سفر به مسکو چه خواهد گفت، و افزود اگر موضع بغداد مطابق با پیشنهادهای ۱۴ ژانویه شورای امنیت باشد، قطعاً موقعیت جدیدی ایجاد شده است.»

متن قطعنامه ۶۶۶ شورای امنیت

عراق در بیانیه اخیر خود اعلام کرده است که حاضر است قطعنامه ۶۶۶ شورای امنیت را بپذیرد به شرطی که از جمله همه قطعنامه های بعدی شورای امنیت در باره بحران کویت، شامل تحریم اقتصادی عراق و مجازات این کشور بابت اشغال کویت، لغو شود. متن قطعنامه ۶۶۶ که شورای امنیت در سوم اوت ۱۹۹۰، یک روز پس از حمله عراق به کویت تصویب کرده چنین است: «شورای امنیت همیقا از تصرف کویت توسط نیروهای مسلح عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ نگران است، خاطر نشان می کند که اشغال کویت توسط عراق، نقض صلح جهانی و امنیت بین المللی است.

مطابق مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد فعال می شود.

۱- اشغال کویت توسط عراق را محکوم می کند.

۲- خواستار این است که عراق همه نیروهای مسلح خود را فوراً بدون قید و شرط به مواضعی فراخواند که در اول اوت ۱۹۹۰ در آن مستقر بودند.

۳- عراق و کویت را فرا می خواند فوراً مذاکرات همه جانبه ای برای حل و فصل اختلافات آغاز کنند، و از همه تلاشها در این جهت، به ویژه تلاشهای کشورهای عربی حمایت می کند.

۴- تصویب می کند که در صورت لزوم برای بررسی اقدامات دیگری جهت اجرای این قطعنامه بار دیگر تشکیل جلسه دهد.»

نظم نوین، به سبک آمریکایی

بته از صحنه اول بر خلاف ادعاهای رسمی شان که برای تحمیت و خام کردن مردم کشورهای در غربی صورت می گیرد و «کوتاه» بودن جنگ خلیج فارس است، حساب مراحلی از جنگ را نیز کرده اند که ناچار شوند باز هم بیشتر به اهداف غیر نظامی حمله کنند تا عراق را به زمین سوخته تبدیل نمایند. ابغاد این جنایت، آنچنان گسترده خواهد بود که پنهان کردنش دیگر امکان نخواهد داشت. دولت آمریکا مجبور خواهد شد در چنین مرحله ای رسماً اعتراف کند که برای «خالی کردن پشت جبهه صدام حسین» و «شوراندن مردم» مناطق مسکونی و اهداف غیر نظامی را بمباران می کند. این احتمال وجود دارد که حمله به پناهگاه بغداد، تمرین از دو لحاظ: ۱- واکنش عراق چه خواهد بود؟ آیا عراق اجازه انتشار وسیع عکس ها و فیلم ها و گزارش های مربوط به این کشتار را خواهد داد؟ ۲- در غرب و سایر کشورها ابغاد خشم و نفرت ابراز شده چه خواهد بود؟ اگر فرض

کنیم که بمباران پناهگاه بغداد، تمرین جنایات بعدی بوده است، نظامیان آمریکایی همداهدنی را انتخاب کرده اند که در صورت لزوم بتوانند ادعا کنند مورد استفاده نظامی قرار داشته است. اثبات دروغ بودن چنین ادعائی دشوار است، چرا که در تعریف آمریکائی ها، یک مرکز تلفن هم «هدف نظامی» است. حادثه هفته گذشته از این لحاظ یک نقطه عطف است که از این پس می توان با استناد به این جنایت هولناک، چهره زشت جنگ را موثرتر و تکان دهنده تر نشان داد، و نیز از این لحاظ که قاعدتا باید کسانی را که علیه هم آهنگ جنگ توسط آمریکا، هنوز به «نظم نوین» از نوع آمریکائی آن و همانگونه که بوش اعلام کرد آمریکائیان را درک می کنند، امید بسته و دچار توهم بودند آنچنان که آمریکائیان آنرا درک می کنند، به خود آورده باشد. فرض را بر این می گذاریم که رهبران شوروی نیز در دام این گونه توهمات گرفتار بوده اند.

«نظم نوین» می که جرج بوش می خواهد، مشخصات معینی دارد که دیگر رؤس آن آشکارتر از امروز روشن نمی شود:

بته از صحنه اول نتوانسته بود آتش را خاموش کند. فلظت دود و گازهای خفه کننده درون پناهگاه به حدی بود که تیم های امداد نمی توانستند به یاری مجروحان در طبقات پائین پناهگاه بشتابند. صبح روز چهارشنبه، محوطه جلوی این پناهگاه بتونی شاهد منظره تکان دهنده ای بود: قطعات سوخته و نیم سوخته اجساد قربانیان را از ویرانه پناهگاه بیرون می آوردند و کنار هم قرار می دادند. بستگان قربانیان حادثه، شیون و زاری می کردند. بسیاری از آنها از سرنوشت همزبان خود بی خبر بودند. زنان هزادان با خشم و کینه ای برحق، خبرنگاران غربی را خطاب قرار می دادند و از آنها می پرسیدند: «چرا بوش از جان مردمی که شاید تا آن روز دل ما چه می خواهد؟» بسیاری از مردمی که شاید تا آن روز دل خوشی از رژیم صدام حسین نداشتند، علیه آمریکا، علیه آمریکا و بر له دولت کشورشان شعار می دادند. وزیر بهداری عراق با حضور در محل پناهگاه تأکید کرد که این حمله، کاملاً هدفمند و با نقشه قبلی بوده است.

نظامی نیز از پناهگاه استفاده می کند. فرماندهی ارتش آمریکا در ریاض مدعی شد سرویس های جاسوسی آمریکا قبل از حمله تحقیق نکرده اند که پناهگاه مورد استفاده غیر نظامی نیز قرار داشته است یا نه.

تا ساعت ها پس از انفجار پناهگاه بغداد، شمار قربانیان این جنایت نامعلوم بود. در حالی که فرماندهی ارتش عراق در یک بیانیه در روز پنجشنبه، این تعداد را ۶۴ نفر اعلام کرد، بعداً معلوم شد که این رقم تنها مربوط به اجساد شناسائی شده است. سازمان دفاع غیر نظامی عراق اعلام کرد که در حمله مزبور حداقل ۷۰۰ و حداکثر ۱۰۰۰ نفر کشته شده اند. شامگاه چهارشنبه مقامات عراقی گفتند که تا آن زمان ۲۳۵ جسد از زیر آوار بیرون آورده شده بود. همه خبرنگاران خارجی که در محل حضور یافتند، گزارش دادند که هیچ نشانه ای دایر بر استفاده نظامی عراق از پناهگاه دیده نشده است. محوطه پناهگاه را یک حفاظ ساده توری محصور می کند.

واکنش های بعدی مقامات نظامی و غیر نظامی آمریکائی نیز نشان داد که حمله به پناهگاه بغداد «تصادفی» نبوده است. سخنگویان ارتش آمریکا گفتند که این پناهگاه از مدتی پیش در فهرست اهداف حملات هوائی بوده است. در همین حال آمریکائی ها مدعی شدند که پناهگاه مزبور مورد «استفاده نظامی» قرار داشته است و عراق در آن یک «مرکز مخابراتی و فرماندهی» مستقر کرده بود، ادعائی که بر خلاف گزارشهای اولیه دایر بر اینکه بزودی «مدارک» اثبات آن ارائه خواهد شد، همچنان یک ادعا باقی ماند و به احتمال زیاد یک دروغ بی شرمانه بیش نیست.

در تلاش برای توجیه حمله هوائی به پناهگاه غیر نظامی بغداد، مقامات آمریکائی مدعی شدند که عراق به همد مراکز فرماندهی نظامی را در مناطق غیر نظامی مستقر کرده است. وزیر دفاع ادعا کرد دو هواپیمای نظامی عراق در نزدیکی یک هرم باستانی که جزئی از میراث فرهنگی عراق است، دیده شده اند. همچنین پنتاگون این گزارش را منتشر کرد که زیر زمین هتل «رشید» بغداد یک مرکز مخابراتی مهم است که از طریق آن، فرماندهی ارتش عراق نیروهای خود در جبهه در تماس است.

بلافاصله پس از انتشار این گزارش، مدیر هتل مزبور که خبرنگاران غربی در آن اقامت دارند، به خبرنگاران اجازه داد که از همه نقاط ساختمان هتل، از جمله زیر زمین آن، بازدید کنند. خبرنگاران گزارش دادند که در زیر زمین هتل رشید، تنها مرکز تلفن خود هتل را دیده اند که دستگاهها و تجهیزات آن بسیار ساده و معمولی بوده است.

در کشورهای منطقه، خبر کشتار صدها غیر نظامی عراقی توسط نیروی هوائی آمریکا موجب از خشم و نفرت را باعث شد. در اردن، تونس و الجزایر عزای عمومی اعلام گردید. در مقابل، حسنی مبارک رئیس جمهور مصر گفت مرگ غیر نظامیان، در «طبیعت جنگ» است.

دولت تونس، حمله آمریکا را «نقض وحشیانه و فاحش

قانون» دانست. ملک حسین پادشاه اردن این حمله را «کشتاری هولناک» خواند. وی روز پنجشنبه در نامه ای به دبیر کل سازمان ملل خواهان قطع بمباران عراق شد. در این نامه، از قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت که در آن اجازه اعمال قهر علیه عراق داده شده است، انتقاد به عمل آمده است. ملک حسین در نامه خود نوشت قطعنامه مزبور «به عنوان مجوزی برای نابودی سازمان یافته عراق قلمداد می شود». ملک حسین افزود شورای امنیت نمی تواند از زیر بار مسئولیت حقوقی و اخلاقی خود شانه خالی کند.»

پارلمان پاکستان به اتفاق آرا حمل آمریکا را ناجوانمردانه خواند و آن را محکوم کرد. وزارت خارجه سودان خاطر نشان کرد اکنون روشن شده است هدف اصلی جنگ، نابودی مبنای اقتصادی و آثار تمدن در عراق است. ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در ژنو هشدار داد که جنگ خلیج فارس از کنترل خارج شده است. وی بار دیگر بر بیطرفی جمهوری اسلامی در جنگ تأکید کرد. ولایتی ضمن محکوم کردن بمباران پناهگاه بغداد توسط آمریکا، اعلام کرد ایران آماده مداوای مجروحان عراقی در بیمارستان خود است. ولایتی گفت جنگ نتیجه «سیاست های غیرمسئولانه عراق در گذشته» است. وزیر خارجه جمهوری اسلامی که طی یک کنفرانس مطبوعاتی در ژنو سخن می گفت، اظهار داشت مداوای قربانیان حمله هوائی در بیمارستانهای ایران می تواند با همکاری صلیب سرخ بین المللی صورت گیرد. ولایتی گفت مردم ایران «به شدت از این فاجعه تکان خورده اند» و افزود کشتار غیر نظامیان «به هیچ وجه قابل توجیه نیست و باید محکوم شود».

وزیر خارجه جمهوری اسلامی طی نطقی در ژنو گفت روال جنگ خلیج فارس از حدود پیش بینی شده در قطعنامه شورای امنیت خارج شده است و افزود: «کشتار گسترده، به ویژه قتل مردم غیر نظامی، قطعاً چیزی نیست که هنگام تصویب قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت در نظر گرفته و اعلام شده بود». وی گفت: نابودی عراق و کویت و نیز منابع اقتصادی منطقه را نمی توان در خدمت برقراری صلح و امنیت در منطقه دانست.»

الثور ارگان دولت یمن حمله هوائی به پناهگاه بغداد را «بدترین جنایت متفقین از هنگام آغاز تجاوز به عراق» خواند.

در مقابل، دولت سوریه صدام حسین را مسئول مرگ مردم عراق دانست. رادیو دمشق در تفسیری گفت: «آن کسی که می تواند با یک کلام، به خونریزی پایان دهد و این کلام را بر زبان جاری نمی کند، مسئول به زمین ریختن هر قطره خون عراقی است.»

روزنامه های عربستان سعودی در باره حادثه بغداد مقاله ای چاپ نکردند. مطبوعات قطر و امارات متحده قریبی، موضعی مشابه موضع رادیو دمشق گرفتند.

بقیه از صفحه اول

درگیری‌های درونی رژیم و مبارزات مردم

در مورد جنایات خود در کردستان و خوزستان نیز تاکید کرد که تمام اقدامات و احکام اعدام صادر شده از سوی او با اطلاع و موافقت خمینی بوده است.

خلخال سبب به شورای نگهبان پرداخت و گفت: عناصر شورای نگهبان از همان زمان با من مخالفت می‌کردند و حتی خزلی که در زمان استانداری احمد مدنی در خوزستان یار قار او بود، یک بار با اعمال نفوذ جامعه مدرسین قم جلوی اجرای احکام اعدام صادره از جانب مرا گرفت که پس از مراجعه به آقا و باز هم جانب مرا گرفت و احکام اجرا شد. او ضمن حمله به روزنامه رسالت گفت چهار نفر از مجتهدین بزرگ یعنی خزلی، شری، راستی کاشانی و آذری قمی گردانندگان رسالت هستند و آنها هیچ‌گونه سابقه مبارزاتی در قبل از انقلاب ندارند.

زمانی که خلخال به انشای شورای نگهبان و جناح رسالت پرداخته بود، یک گروه ۳۰ نفره که با مستورسیکلت وارد دانشگاه شده بودند، در صحن مسجد دانشگاه شروع به دادن شعار کردند و سعی کردند سخنرانی را به هم زنند. آنها علیه هم مقاومت دانشجویان وارد مسجد شدند و به طرف منبر یورش بردند. دانشجویان تنها توانستند با زحمات پیرامون منبر از کتک خوردن خلخال و بیات (نماینده دیگر مجلس) جلوگیری کنند. شعارهای چاق‌داران در حمایت از خامنه‌ای و مرتد دانستن خلخال و بیات بود مثل: "مرگ بر ضد ولایت فقیه"، "ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند"، "این دل خسته ما، قلب شکسته ما، مقام رهبر ما... دانشجویان ابتداسعی کردند، جلسه را آرام کنند و شعار می‌دادند: "ما همه برادریم، پیرو خطر هبریم" ولی پس از شدت یافتن درگیری، شعارهای آنان نیز محو شد: "مرگ بر اسلام امریکایی" و "حسادت، حسادت، عامل تفرقه"!

این نمایش در حدود یک ساعت ادامه داشت و پس از آن همگی در حالی به ترک مسجد پرداختند که خلخال و بیات در تمام این مدت روی دوپله منبر به نظاره سمع خویش از تقسیم قنایمی نشسته بودند که به خاطرش آن همه جنایت کردند.

درگیری در شیراز

نشریه بانگ رهایی درگیری مراسم ۱۳ آبان در شیراز را چنین نقل کرده است: در جلسات ستاد تبلیغات این شهر که با حضور انجمن اسلامی دانشجویان و نهادهای دیگر دانشگاه، سازمان تبلیغات، کمیته انقلاب اسلامی، استانداز و... تشکیل شده بود، مقرر گردید که مجری برنامه دانشجویان باشند و قطعنامه راهپیمایی رانیز (پس از تصویب در ستاد) آنها بخوانند. قرار شد آیت‌الله جوادی آملی به عنوان سخنران به مراسم دعوت شود. در صورت عدم امکان کاندیداهای بعد موسوی خوئینی‌ها و ری شهری بودند. تصمیمات ستاد از سوی حائری شیرازی امام جمعه مورد مخالفت قرار گرفت. وی خود سرانه و بدون هماهنگی با دیگران مجری مراسم را از اعضای ستاد نماز جمعه شیراز تعیین نمود و شخصی به نام فاکر را برای سخنرانی دعوت کرد. در مورد قطعنامه نیز اعلام کرد: باید به رویت و تصویب نهایی من برسد!

دانشجویان اعلام کردند که تصمیمات ستاد باید اجرا شود و طبق تماس با مسئولین اجرایی شهر گفتند که راهپیمایی را برگزار خواهند کرد. روز ۱۳ آبان دانشجویان حوالی ساعت ۹/۳۰ دقیقه به محل برگزاری مراسم رسیدند و خواست کردند که حداقل مصوبات ستاد اجرا شود و به دانشجویان اجازه قرائت قطعنامه داده شود. این درخواست نیز مورد موافقت قرار نگرفت. دانشجویان خمیگین بدنال مخالفت هواداران امام جمعه، با سردادن شعار مرگ بر امریکا و مرگ بر ضد ولایت فقیه خود را به تریبون برگزاری مراسم رساندند. آقای فاکر که در پشت تریبون قرار داشت، با لحنی تند ابراز داشت: ایان منافقین جدیدند. نوع اول مجاهدین بودند.

نوع دوم بنی‌صدری‌ها و نوع سوم اینها هستند. وی سپس به رئیس شهربانی گفت که بلندگوی آنها را قطع و خودشان راساکت کند. رئیس شهربانی خودش را به پشت تریبون رساند و به نیروهای تحت امر خود دستور دخالت داد. نیروهای شهربانی به دانشجویان حمله کردند. با تشدید درگیری و افزایش تدریجی نیروهای شهربانی، تعدادی از درجه‌داران و حتی افسران ارشد شهربانی نیز وارد این فائله شدند. درگیری تا پایان سخنرانی فاکر ادامه یافت. حدود ۳۰ نفر از دانشجویان دستگیر شدند و به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. ۱۰ نفر از آنان را به زندان عمومی شهر منتقل کردند، که پس از چند ساعت با

وساطت سایر دانشجویان و وزارت اطلاعات آزاد شدند.

برهم زدن سخنرانی یزدی در دانشگاه الزهرا

روز شنبه سوم آذر ۶۹، آیت‌الله یزدی رئیس قوه قضاییه برای ایراد سخنرانی به دانشگاه الزهرا دعوت شد. تعداد زیادی از طلبه‌های مکتب نجس و حوزه علمیه شهید شاه‌آبادی و عده‌ای از کارکنان و دانشجویان دانشگاه امام صادق اعلام برنامه، قرائت قرآن و دیگر مراحل برنامه را در دست داشتند. تا قبل از ورود یزدی، جلسه چندبار متشنج شد. پس از اینکه یزدی پشت تریبون قرار گرفت، نماینده دانشجویان به مقابل جمعیت آمد و خطاب به آیت‌الله یزدی گفت: حاج آقا دو کلمه صحبت داریم. یزدی گفت: حتی یک کلمه! مخالفت او دانشجویان را آرام‌تر کرد و شروع به فرستادن صلوات کردند. یزدی گفت: ما حاضریم باز هم صلوات بفرستید. ما می‌شنویم. اگر تکر می‌کنید با این روش من از اینجا می‌روم مطمئن باشید من از اینجا نخواهم رفت. دانشجویان دوباره صلوات فرستادند و جلسه در میان شعارها ادامه یافت. بار دیگر یک دانشجو به نمایندگی از دیگران اجازه صحبت خواست که موافقت نشد. دانشجوی دیگری خود را به میز مجری برنامه رساند تا با اشغال بلندگو صحبت کند و هلت اعتراض دانشجویان را بیان نماید. وی با مخالفت مجریان برنامه و اقدام زشت یکی از محافظین مجبور شد به جای خود برگردد. یزدی که از وضعیت پیش آمده به شدت عصبانی بود، با اظهار این جمله که: من تا دانشگاه به رشد فکری نرسد برای سخنرانی نمی‌آیم، جلسه را ترک کرد.

زلزله زدگان شمال: بروید به مردم بگوئید

ما چه زجری می‌کشیم

نشریه بانگ رهایی در چند گزارش، به انعکاس وضعیت غیر قابل تحمل زلزله زدگان شمال پرداخته و گوشه‌هایی از اعتراضات و مبارزات آنها را بازتاب داده است. مطابق گزارش‌های رسیده بدنال موج سرما و طوفانی که در بیستم مهرماه استان گیلان را فراگرفت. چادرهای زلزله زدگان را یا طوفان با خود برد و یا در سیلاب و گل فرورفتند. مردم شب را بدون سرپناه و غذا در میان طوفان و سرما به صبح رساندند. زلزله زدگان از صبح روز ۲۱ مهر از شهرهای رودبار، منجیل، لوشان و رستم آباد به طرف جاده قزوین - رشت حرکت کرده و جاده را مسدود کردند. آنها دو طرف پل لوشان را با لوله آهنی جوش داده، مسیر جاده فرعی لوشان - رشت را بسته و در تمام مسیر سنگ‌های بزرگ گذاشتند. زلزله زدگان ماشین‌ها را متوقف کرده و به سرنشینان آنها می‌گفتند: یک روز اینجا بمانید تا ببینید که ما چه زجری در میان برف و سرما می‌کشیم. بروید به مردم شهرهای دیگر بگوئید به مسئولان رژیم فشار آورند که تسهیلات لازم را در اختیار ما بگذارند. زلزله زدگان که به شدت خمیگین بودند، به چندین ماشین که قصد خارج شدن از منطقه را داشتند با چوب و سنگ حمله کردند.

رژیم برای جلوگیری از پیوستن مردم به زلزله زدگان از طریق رادیو اعلام کرد که جاده قزوین - رشت به هلت سیل و ریزش کوه بسته شده و سپس مزدوران خود از کمیته، ژاندارمری، گشت تاملین و سپاه گرفته تا نیروهای ضد شورش را در جهت سرکوب مردم به منطقه گسیل کرد. زلزله زدگان در مقابله با مزدوران خود را به سنگ انداز و چوب مجهر کرده و با آتش زدن لاستیک در طول مسیر توانستند ضمن مقابله محدود با سرکوبگران، چند قبضه اسلحه به فنیتم گرفته و یکی از فرماندهان ژاندارمری اهزای از رشت را نیز گروگان بگیرند. گفته می‌شود نیروهای نظامی محلی با زلزله زدگان همدردی نشان دادند.

به قرار اطلاع واحدهای ضربت سپاه دستور داشتند به سوی مردم تیراندازی کنند، اما با دخالت بعضی فرماندهان سایر نیروها از این کار مناعت به عمل آمد و از درگیری گسترده ماموران سرکوب با مردم جلوگیری شد. در پی این درگیری، مسئولان حکومتی و از جمله حبیبی معاون اول رفسنجانی در

محل حضور یافتند و قول رسیدگی عاجل به خواسته‌های زلزله زدگان را دادند. زلزله زدگان مهلت ۵ روزه‌ای برای مسئولین رژیم تعیین کرده و جاده را باز کردند.

صحبت‌های یکی از زلزله زدگان: اتا تک‌های فلزی ساخته شده برای اسکان ما یا هنوز آماده نیست و یا برای ادارات دولتی در نظر گرفته شده، آنقدر کیفیت این اتا تک‌ها پایین است که در منجیل باد سفت آنها را از جا کنده و برده است. هنوز مدرسه‌ای نیست که بچه‌های ما بروند. فدای خود را باید به بچه‌ها بدهیم تا

انتشار نامه تمجید امیر خمینی از سید احمد

موسسه تنظیم و نشر آثار خمینی، کتاب تازه‌ای شامل "قریبات و رباعیات" و یک نامه منتشر شده از خمینی را انتشار داده است. این نامه که تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۶۶ را دارد خطاب به سید احمد خمینی است و پس از مقداری موعظه و نصیحت، به دفاع شدید پدر از پسر پرداخته است. خمینی در این نامه نوشته است: من خدی قاهر حاضر منتقم را شاهد می‌گیرم که احمد از آن روزی که در کمک اینجانب در بیرونی مشغول اداره امور من بوده تا الان که این ورته را می‌نویسم قدمی یا قلمی برخلاف گفتار و نوشتار من برنداشته است. وی سپس ادامه داده: و در آخر این را هم بگویم که احمد تاکنون برای مصارف خود دیناری از

راهپیمایی ۲۲ بهمن در تهران

مراسم "دهه فجر" با برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن در شهرهای مختلف کشور پایان یافت. در راهپیمایی تهران هاشمی رفسنجانی و سید احمد خمینی سخنرانی کردند. رفسنجانی تاکید کرد که: جمهوری اسلامی با صدایی رسا حضور بیگانگان در منطقه و عراق در کویت را محکوم می‌کند. وی ۲۲ بهمن را نقطه ختم حضور بیگانگان در ایران خواند. در پایان راهپیمایی تهران قطعنامه ۸ ماده‌ای به تصویب شرکت کنندگان رسانده شد. در این قطعنامه حمایت از خامنه‌ای، گسترش انقلاب اسلامی در جهان، خروج بیگانگان از منطقه خلیج فارس و عراق از کویت، سید احمد خمینی از مواضع جمهوری اسلامی در جنگ خلیج فارس، حمایت از نهضت‌های اسلامی بویژه در فلسطین، پشتیبانی از دولت، مجلس، قوه قضاییه و سایر نهادهای حکومتی مورد تایید قرار گرفته است. مسئولین جمهوری اسلامی در مورد تعداد شرکت کنندگان در راهپیمایی سکوت کردند و تنها از "حضور میلیونی" و "راهپیمایی‌های باشکوه" سخن گفتند. گزارشات رسیده از ایران حاکی از آن است که علیرقم تلاش و تبلیغات گسترده رژیم، هم در تهران و هم در شهرستان‌ها مردم از این نمایشات حکومتی استقبالی نکردند.

بارش باران سیاه در جنوب و غرب کشور

بارش باران سیاه مناطقی غربی ایران را نیز دربر گرفت. در بخش‌هایی از استان ایلام از جمله صالح‌آباد، بان دوشان و مهران باران سیاه باریده است. در جنوب کشور نیز باران سیاه در چند نوبت ریزش کرده است. در بوشهر طی ۲ هفته اخیر، ۴ بار باران سیاه

اعدام ۳۳ نفر بجرم قاچاق مواد مخدر

روز ۱۴ بهمن روزنامه‌های رژیم خبر دادند که ۳۳ نفر دیگر به جرم قاچاق مواد مخدر در شهرهای مختلف اعدام شده‌اند. ۱۸ تن به موجب حکم دادگاه انقلاب اسلامی نیشابور و تنفیذ دادستان کل کشور در محل شهربانی این شهرستان بدار آویخته شدند. ۶ نفر دیگر در شهرستان کرج و ۶ تن نیز در شهر رشت اعدام شده‌اند. خبرنگار روزنامه کیهان از توپان نیز گزارش داده است که ۳ نفر در این

سیر شوند. بعضی وقتها شبها را گرسنه به صبح می‌رسانیم. آخر کی می‌خواهید به وضع ما رسیدگی کنید؟ تا کی وعده و وعید؟ ما اینجا خانه نداریم. نه آب داریم نه غذا، نه دستشویی، نه حمام، هیچ چیز

نداریم، نه کار داریم و نه سرمایه، فرزندانمان از گرسنگی و سرما بیمار شده‌اند، همه چیزمان از بین رفت. تا کی می‌توانیم صبر کنیم؟ کمک‌های مردم کجا رفت؟ این همه کمک‌های خارجی چه شد؟ تا کی می‌خواهید به مادر و فرزند بگوئید؟

از رویدادهای اسران

بازداشت خبرنگار روزنامه کیهان

دادگاه کیفری ۲ زنجان، سرپرست و خبرنگار روزنامه کیهان در این شهرستان را به جرم درج انتقادی از سازمان انتقال خون زنجان به ۹۱ روز زندان محکوم کرد. جرم خبرنگار کیهان "نشر اکاذیب و اهانت به شخصیت حقوقی" اعلام شده است. روزنامه کیهان در یادداشت اعتراضی خود به این حکم نوشته است که این دادگاه رای خود را به استناد ماده ۲۴ قانون مطبوعات مصوب سال ۵۸ صادر کرده، در صورتی که این قانون منسوخ شده و قانون جدیدی در سال ۶۴ به جای آن به تصویب رسیده است.

کیهان در این یادداشت خاطر نشان کرده است که او لا مسئولیت درج کلیه مطالب به‌عهده مدیر مسئول روزنامه است و محمتر از آن: کیهان بر آن است که این ماجرا نشان دهنده نقض آشکار اصل ۲۴ قانون اساسی، والاترین دستاورد انقلاب خونبار اسلامی است که آزادی مطبوعات را در چارچوب قوانین خاص تنظیم کرده است.

موفقیت کشتی‌گیران ایران در شوروی

تیم منتخب کشتی آزاد ایران با کسب سه مدال طلا، نقره و برنز در مسابقات بین‌المللی جام تفلیس در شوروی به مقام سوم این مسابقات رسید. ناصر زینل‌نیا در وزن ۴۸ کیلوگرم به مدال طلا دست یافت. علی توپچی در ۱۰۵ کیلوگرم مدال نقره گرفت و محمد ذوالفقاری در وزن ۵۷ کیلوگرم یک مدال برنز بدست آورد. در این مسابقات تیم‌های کشتی شوروی و امریکا به مقام‌های اول و دوم دست یافتند. مسابقات بین‌المللی جام تفلیس یکی از معتبرترین مسابقات بین‌المللی کشتی است که هر ساله در پایتخت گرجستان شوروی برگزار می‌شود. کشتی‌گیران ایران پس از انقلاب ۴ بار در این مسابقات شرکت کرده‌اند و امسال موفق به کسب بهترین نتیجه شدند.

نرخ ارز در بازار تهران

هفته گذشته بهای ارز خارجی در بازار آزاد تهران به میزان اندکی کاهش یافت. روز ۵ شنبه ۲۵ بهمن هر دلار امریکا به بهای ۱۳۶ تومان معامله شد. لیره استرلینگ ۲۹۰ تومان، مارک آلمان ۹۹ تومان و ۵ ریال و فرانک فرانسه ۲۹ تومان و ۳ ریال به فروش رسید. بانک مرکزی دلار شناور را طی همین روز (۵ شنبه) به بهای ۱۳۶ تومان و ۸ ریال در اختیار متقاضیان واجد شرایط قرار داد.

گزارش تحولات سیاسی کشور و منطقه و عملکرد سیاسی شورا در فاصله کنگره نخست تا امروز

خوانندگان گرامی!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق (اکثریت) گزارشی از اوضاع سیاسی کشور و عملکرد سیاسی خویش را به اجلاس مشترک مسئولین واحدهای کشوری سازمان در خارج از کشور، گروه‌های کار و شورای مرکزی که در روزهای اول تا سوم فوریه برگزار گردید، ارائه داد. و شرکت کنندگان در اجلاس پیرامون آن اظهار نظر کردند. شورا پس از تصحیح گزارش بر اساس اصلاحات پیشنهادی در اجلاس مذکور، مبادرت به نشر آن می‌نماید. با این امید که اظهار نظر هلاقمندان، به تدقیق مواضع سیاسی سازمان یاری رسانند. لازم به یادآوری است تحولات اخیر جنگ بدنبال اعلام آمادگی رژیم عراق برای پذیرش قطعنامه ۵۹۶ شورای امنیت در این گزارش منعکس نشده است.

شورای مرکزی سازمان در همان نخستین جلسات بعد از کنگره «حفظ و گسترش سطح فعالیت سیاسی سازمان» را مبنای یکی از استراتژی‌های اساسی فعالیت خویش مورد تصویب قرار داد و راه اندازی و ارتقاء کیفیت گروه‌های کار نشریات اکثریت و کار، رادیو و روابط عمومی را بعنوان اهرم‌های اصلی تحقق این وظیفه پی گرفت. علاوه بر این به منظور آنکه «شورای مرکزی» نیز بتواند در صحنه سیاست حضور مستقیم و موثر داشته باشد، مباحثات زیادی در شورا انجام گرفت. به مجموعه این مسائل در بخش تشکیلاتی و گزارش عملکرد شورا به تفصیل پرداخته شده است. شورا امیدوار است که اجلاس حاضر بتواند با اظهار نظرهای خود موانع موجود بر سر راه گسترش فعالیت سیاسی سازمان را برطرف سازد.

شورا فعالیت سیاسی خود را در شرایطی آغاز کرد که از سوئی هنوز اهرم‌های لازم جهت حضور موثر سیاسی سازمان در حد مطلوب وجود نداشتند و از سوی دیگر اوضاع سیاسی کشور و منطقه که به دنبال گشوده شدن بن بست در مذاکرات صلح با عراق وارد مرحله تازه و حساسی شده بود، با اشغال کویت به وسیله عراق و ورود ارتش آمریکا و متحدانش به خلیج فارس، بطور بی سابقه‌ای پیچیده و فزاینده شد و بیش از هر زمان ضرورت داشت که مسائل باحساسیت و همق کافی پیگیری شود. ارزیابی واقع بینانه از اقدامات و موضع گیری‌های سیاسی شورا و گروه‌های کار، تنها با در نظر داشت این واقعیت‌ها امکان پذیر خواهد بود.

هنگامی که خبر اشغال کویت از سوی ارتش عراق انتشار یافت، کنگره سازمان جریان داشت و مواضع سازمان از سوی هیات رئیسه کنگره در اعلامیه‌ای تحت عنوان «الحاق کویت به عراق را محکوم می‌کنیم» انتشار یافت. در این اعلامیه الحاق کویت به عراق قویا محکوم گردید و حضور نظامی آمریکا «ادامه سیاست ژاندارمی دولت آمریکا» و «موجب تشدید بحران در منطقه» ارزیابی شد. اعلامیه ضمن پشتیبانی قاطع از تحریم اقتصادی و تسلیحاتی عراق که قطعنامه ۶۶۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعمال آنرا در جامعه جهانی خواستار شده بود، تاکید نمود که «سازمان ملل متحد یگانه مرجعی است که میتواند برای مقابله با تجاوز خیره سرانه و جنایتکارانه رژیم صدام هماهنگی و هدایت اقدامات بین المللی را برعهده گیرد». در این اعلامیه از محکوم کردن صریح لشکرکشی آمریکا و متحدانش به خلیج فارس خود داری شده بود. پس از پایان کنگره و تشکیل شورای مرکزی سازمان ضرورت داشت که موضع شورا پیرامون تحولات خلیج فارس به فوریت روشن و منتشر شود. نظر به اهمیت مسئله، شورا علاوه بر بحث در جلسات خود، مسئله را در جلسات مشورتی با سایر رفقان نیز به بحث گذاشت.

در این مباحثات، پیرامون دفاع کلی از حل مسالمت‌آمیز بحران، محکوم کردن الحاق کویت به عراق و تاکید بر نقش مراجع بین المللی ابهامی وجود نداشت و پیچیدگی مسئله در چگونگی برخورد با لشکرکشی آمریکا و متحدانش متجلی میشد.

به دنبال این مباحثات مواضع شورای مرکزی سازمان به صورت سرمقاله کار ۷۸- نخستین شماره بعد از کنگره - بدینگونه انتشار یافت:

«ما دخالت نظامی آمریکا در منطقه را محکوم می‌کنیم و خواهان خروج فوری نیروهای نظامی آمریکا و تمام کشورهای خارجی در منطقه هستیم. ما با قاطعیت خواهان خروج فوری عراق از کویت و برچیده شدن دولت دست نشانده آن در این کشور هستیم و از تحریم اقتصادی و نظامی این کشور توسط همه دولت‌های جهان و استفاده از تمام اهرم‌های سیاسی - اقتصادی و دیپلماتیک که عراق را برای پایان دادن به این تجاوز تحت فشار قرار دهد، حمایت می‌کنیم.»

رفقای گرامی!

بدون تردید موضع گیری پیرامون مسائل خلیج فارس مهم‌ترین موضع گیری سیاسی شورا در فعالیت شش ماهه گذشته بوده است. این موضع گیری که بعدها در بیانیه شورا تحت عنوان «پیرامون تحولات منطقه و اوضاع کشور» - مندرج در کار و اکثریت بسط داده شد همچنان مبنای عمل شورا است. در بیانیه شورا - که در کار آذرماه ۶۹ منتشر شد - کوشش شده است تا رابطه بحران خلیج و مبارزه‌ای که بر سر نظم نوین در سطح جهان جریان دارد، بیان گردد، اهداف لشکرکشی آمریکا توضیح داده شود و تلاش دولت آمریکا برای آنکه با سوء استفاده از بحران خلیج، قاتی خود را بر جهان تحمیل کند آشکار گردد. در این بیانیه همچنین از طر‌های مبتنی بر حل همگانی و صلح‌آمیز مسائل خاورمیانه استقبال شده است. در این زمینه موضع گیری اولیه، پیش از آن در شماره ۸۵ نشریه کار، با اندکی تاخیر، صورت گرفته بود. این تاخیر از آنجا ناشی می‌شد که پیش از آن، حکومت عراق به منظور سوء استفاده از احساسات ضد اسرائیلی مردم منطقه، کوشش کرده بود که مسئله اشغال کویت و بحران خلیج فارس را با مسئله تجاوزگری اسرائیل مرتبط سازد و در نتیجه این برداشت در میان مایه‌پدیدآمده بود که به میان کشیدن سایر مسائل منطقه ممکن است در جهت طولانی تر کردن بحران خلیج اثر بگذارد.

نکته با اهمیت دیگر در رابطه با بحران خلیج، نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد و موضع مادر قبالت آن بوده است. بر خوردمت و فعال شورای امنیت که به تصویب قطعنامه ۶۶۲ انجامید از یکسو و عقب نشینی آن در قبالت فشار آمریکا و صدور اجازه حمله نظامی از سوی دیگر نشان دادند که حمایت ما از اقدامات شورای امنیت نمی‌تواند بی قید و شرط باشد و لازم است سازمان ضمن تصحیح مواضع سیاسی عمومی مبتنی بر تقویت نقش سازمان ملل متحد، این حقیقت در دناک را همواره مد نظر داشته باشد که هنوز محافل جنگ طلب و ماجراجو می‌تواند بر تصمیمات این مرجع معتبر بین المللی اثر بگذارد.

ما قطع نامه ۶۷۸ شورای امنیت را که شامل ولتیماتوم به عراق بود، منفی ارزیابی کردیم. در نشریه کار قطع نامه در مجموع و بدون صراحت منفی ارزیابی شد و در همین حال، نقش آن به عنوان امکانی برای تصحیح مواضع مورد تاکید قرار گرفت. این موضع گیری از دقت کافی برخوردار نبود. اما در سه مقاله اکثریت شماره ۲۳۹ با عنوان «دولت آمریکا موفق شد شورای امنیت را به موضع موافقت با حل نظامی بحران خلیج فارس بکشاند»، موضع گیری دقیق تری صورت گرفت. در این مقاله آمده است: «قطع نامه مذکور از طرف شورای امنیت، امکانات برای حل مسالمت آمیز بحران را کاهش داده و مواضع مدافعین اقدام نظامی را تقویت کرده است.»

در این مقاله بدرستی رای مثبت دولت شوروی به قطع نامه «در تبیین با سیمای صلح طلبانه سیاست خارجی این کشور در چند ساله اخیر» و «نشانه تسلیم شدن مسکو به فشارهای اعمال شده از طرف دولت آمریکا» ارزیابی شده است.

رفقای عزیز!

بحران خلیج فارس میدان بزرگی بوده و هست برای آنکه باورهای نوین ما به محک تجربه آزموده شود و کمبودهای ما در هر صحنه تکرر سیاسی معاصر، آشکار گردد. ما در مباحثات پیرامون مسائل خلیج یکبار دیگر متوجه این حقیقت شدیم که بدون داشتن درک ثنوریک روشن پیرامون یک سلسله از مسائل اساسی نظیر رابطه حفظ منافع ملی، ملزومات حفظ صلح، مبارزه برای دموکراسی، امپریالیسم و پیکار علیه آن و... نیز بدون داشتن تحلیل جامعی از اوضاع پیچیده جهان و سمت گسترش روندهای جهانی، اتخاذ موضع صحیح پیرامون بسیاری از مسائل منطقه‌ای و کشوری عملاً ناممکن است. از اینرو بعنوان یک نتیجه گیری عملی می‌باید است که ضرورت کار علمی، تحقیقاتی و ثنوریک بیشتر و فشرده تر در زمینه مقولات برنامه‌ای را مورد تاکید قرار دهیم تا کنگره دوم بتواند به مسائل سازمان در این هر صحنه پاسخ دهد.

در ارتباط با بحران خلیج سوال بااهمیتی که از آغاز وجود داشت و هنوز هم وجود دارد این است که این بحران چرا پدید آمد؟ فرجام آن چه خواهد بود؟ در شورا پیرامون فرضیه‌های مختلف مباحثاتی انجام گرفت. اما فقدان اطلاعات مستند و موثق موجب می‌شود که نتوان هیچ فرضیه‌ای را به مثابه مبنای تحلیل عمومی و مشترک پذیرفت.

گرچه هاله‌ای از ابهام انگیزه‌های طرفین را در بر گرفته و هیچ فرضیه‌ای در شورا به عنوان مبنای پذیرفته نشد، اما تمایل عمومی شورا آن بود که به احتمال بیشتر مسئله در نهایت از طرق مسالمت آمیز

و بدون توسل به جنگ حل خواهد شد. در هیچ‌حال این تاکید نیز وجود داشت که این پیش بینی نباید در موضع گیری‌های ما منعکس شود و نباید به بحث «پیش گوئی آینده» که از سوی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران صورت می‌گیرد، کشانده شویم. ما باید تاکید کنیم که حل صلح آمیز بحران امکان پذیر است، از جمله اگر نیروی مدافع آن برای تحت فشار مبارزه کند.

وجود حد معینی از خوش بینی در شورا، علیرغم تذکرات برخی از رفقا که احتمال وقوع جنگ راجدی می‌دانستند موجب شد که بر مجموعه تبلیغات نشریات کار و اکثریت، نوعی خوش بینی نسبت به تلاش‌های صلح طلبانه و حاصل آن سایه افکند و به اندازه کافی پیرامون خطر آغاز جنگ هشدار داده نشود. اما برخلاف همه امیدواری‌ها، جنگ در اولین ساعات پس از پایان زمان اولتیماتوم، با بمباران وحشیانه و گسترده شهرهای عراق بوسیله نیروی هوایی آمریکا آغاز شد.

شورای مرکزی بعد از آغاز جنگ با صدور اعلامیه‌ای، دولت آمریکا را مسبب اصلی آغاز جنگ دانست و آنرا شدیداً محکوم نمود. در این اعلامیه شورا خواستار قطع بی قید و شرط جنگ شد. همچنین فراخوانی خطاب به فدائیان خلق انتشار یافت و از همه درخواست شد که با شعارهای «قطع بی قید و شرط جنگ» و «حل بحران خلیج فارس از راه مسالمت‌آمیز» در تظاهرات و نمایشات صلح آمیز شرکت کنند.

اکنون جنگی ویرانگر و ضد بشری در منطقه خلیج فارس و در همسایگی کشور ما جریان دارد. سانسور خشنی که دولتهای غربی بر رسانه‌ها اعمال می‌کنند، مانع از انتشار حقایق این جنگ وحشیانه است، اما اخبار پراکنده حاکی است که هزاران تن از مردم مظلوم و بی دفاع تا کنون در اثر بمبارانها کشته شده‌اند و خرابی‌های عظیمی به بار آمده است و این در حالی است که هنوز جنگ زمینی آغاز نشده و یابکی‌های جنایتکار برای دستیابی به اهداف شوم خود به شخم زدن شهرها مشغولند.

صدام حسین که با تصحیح مواضع خلیج کویت، زمینه برافروخته شدن آتش جنگ را فراهم آورد، همچنان به رجز خوانی‌های جنون آمیز ادامه می‌دهد و در ادامه تبلیغات هوافضایی که به قصد جلب افکار عمومی جهان عرب به راه انداخت، به پرتاب موشک به شهرها و مناطق غیر نظامی اسرائیل روی آورده است او می‌کوشد پای اسرائیل را هم به جنگ بکشاند تا از این طریق اعراب و مسلمانان بیشتری را به همراهی با خود ترغیب کند.

هوافضی‌های صدام حسین و قلدرمنشی کاخ سفید، موج گسترده‌ای از همدردی و همراهی با حکومت عراق را در جهان عرب برانگیخت و توده‌های عرب، خشمی را که ناشی از سالها تحمل تجاوزگری اسرائیل و پشتیبانی آمریکا از آن است، اکنون بصورت حمایت از صدام بروز می‌دهند.

به میان کشیده شدن پای اسرائیل و تشدید واکنش توده‌های عرب که هم اکنون نیز شدیداً گسترده است این امکان را تقویت می‌کند که جنگ از محدوده منطقه خلیج فارس خارج شود و به جنگ جهان عرب و «دنیای اسلام» با آمریکا و متحدانش و «دنیای کفر» تبدیل شود. چنین حالتی به شدت به زیان اهداف آمریکا و دولت بوش می‌کوشد از طریق گوناگون از واکنش اسرائیل در مقابل موشک پرتابهای صدام جلوگیری کند و تا امروز حکومت اسرائیل در موضع پرهیز از هکس العمل نظامی قرار داشته است.

شورای مرکزی موشک پراکنی به شهرهای اسرائیل را که حاصلی جز کشته شدن غیر نظامیان بی‌گناه، تقویت محافل جنگ طلب در اسرائیل، بحرانی تر شدن اوضاع منطقه و در تنگنا قرار گرفتن جنبش صلح در اروپا و جهان ندارد، محکوم می‌کند.

در همین حال باید این حقیقت تلخ را یادآوری کرد که رسانه‌های غرب در حالی که کشته شدن سه اسرائیلی را تا آخرین حد بزرگ و برحسته می‌کنند، کشتار بی‌رحمانه هزاران عراقی در جریان دولتهای اروپایی که پیش از آغاز جنگ در مقابل تمایل کاخ سفید، مقاومت کم جان و کم اثری از خود نشان می‌دادند، با آغاز جنگ بطور کامل در مواضع آمریکا قرار گرفتند و با ارسال نیروهای نظامی و پذیرش تعهدات مالی وارد جنگ شدند.

برخلاف دولتهای نیروهای صلح طلب و احزاب مترقی اروپا، با آغاز جنگ، مبارزه علیه آنرا شدیدتر و گسترده تر کردند و اروپا اکنون شاهد نمایشات میلیون‌ها انسان علیه جنگ است.

مبارزه‌ای که طی چند ماه گذشته میان نیروهای صلح طلب و محافل جنگ پرست بصورت تقابل دو مشی جریان داشته و فرجام تلخ آن، جنگ طلبی جنون آمیز کاخ سفید که در جهت ارضای تمایلات ضد بشری انحصارات و بویژه انحصارات نظامی و نفتی به

منظور تامین آتالی آمریکا بر جهان و اهداف دیگری نظیر رهائی از بحران دم افزون اقتصادی، منطقه خلیج فارس را به میدان جنگی خونین مبدل کرد، توجع برخورد دول اروپایی، اعراب و دولتهای عربی، ژاپن و بویژه موضع دولت شوروی، تسلیم شورای امنیت سازمان ملل به جنگ طلبی حکومت آمریکا، موضع کشورهای نظیر یمن، کوبا و چین در رابطه با قطع نامه ۶۷۸، پیوستن دولت سو سیالیست میتران به مشی جنگ، جنبش نیرومند صلح در اروپا، موضع گیری احزاب مختلف در اروپا و آمریکا، نوع برخورد توده‌های عرب با شعارهای هوافضیانه صدام حسین و مجموعه بسیار متنوع هوافضی که در بحران خلیج، کشیدن شدن آن به جنگ و تداوم تا امروز آن نقش ایفا کردند نه تنها خلصت جهانی بحران را آشکار می‌سازند بلکه، به ما امکان می‌دهند که بتوانیم منظره بالنسبه روشن تری از آرایش نیروهای جهانی پس از فرو ریختن نظم دو قطبی پیشین ترسیم کنیم.

در شورا بحث‌های مقدماتی پیرامون تضادهای جهان امروز و بررسی آن در پرتو مطالعه روندهای که در پیوند با بحران خلیج در سراسر جهان جریان دارد، آغاز گشته است. بعد از فرو ریختن نظم دو قطبی پیشین، صحنه خلیج فارس نخستین آوردگاه مهمی است که مهم‌ترین نیروهای موثر در جهان امروز در آن صف آرایی کرده‌اند. بدون تردید مطالعه بحران و جنگ خلیج به ما امکان خواهد داد تا از مناسبات سه کانون اصلی جهان سرمایه‌داری، رابطه شمال و جنوب، رابطه متقابل انحصارات نظامی و نفتی، کانونهای فراملیتی مالی - اقتصادی و قطب‌های اصلی تکنولوژی و رابطه این سه با سه کانون اصلی آمریکا، اروپا و ژاپن و تضادهای و روندهای مهم در دهه آتی شناخت روشن تری بدست آوریم.

شورا می‌کوشد در حد توان خویش با پیگیری روندها، نتایج حاصل را در تدقیق دیدگاه‌ها، ارزیابی‌ها و مواضع سازمان بکار گیرد و بجاست هم در اینجا به همه دست اندرکاران امور سیاسی، صاحب نظران و قلم زان سازمان و جنبش ترقی خواهانه کشور اعلام کنیم که نشریات سازمان برای چاپ و انتشار نتایج تحقیقات و جمع بندی‌های آنها آماده‌اند و از همکاری آنها برای آنکه جنبش به درک روشن تری از اوضاع دست یابد صمیمانه استقبال می‌کنیم.

جنگ در میان نیروهای سیاسی کشورمان با واکنشهای متفاوتی روبرو شد. عموم نیروهای اپوزیسیون ضمن بر خور داشتن رژیم از مداخله در جنگ به سود یکی از طرفین و تاکید بر ضرورت حضور فعال ایران در مبارزه علیه جنگ و تشویق آن به مشارکت در تلاش برای یافتن راه حل‌های صلح آمیز، اشغال کویت بوسیله صدام و جنگ طلبی حکومت بوش را محکوم کردند. در همین حال محافظی از سلطنت طلبان افراطی و وابستگی خویش به دولت آمریکا را در لویای شعارهای شوونیستی هرزه کردند. آنها آشکارا به دفاع از جنگ پرداختند. برخی محافل سلطنت طلب و قوع جنگ بین آمریکا و عراق را به سود ایران ارزیابی کرده‌اند. در این موضع ضد بشری که در پوشش قم خواری برای ایران عرضه می‌شود، نه تنها بوئی از انسانیت وجود ندارد، بلکه دروغ بی‌شمارانه‌ای نیز نهفته است. مردم ایران که طعم تلخ هشت سال جنگ را چشیده‌اند، آزادمنشی و صلح طلبی خود را هرگز فدای منافعی که اینگونه محافل مدعی آتند نمی‌کنند و برای مقابله با یک دیکتاتور توسعه طلب برای توسعه طلبی و جنگ طلبی آمریکا صحنه نخواهند گذاشت و نیک می‌دانند که با قدر قدرتی آمریکا در منطقه و یا به آتش کشیده شدن خلیج فارس جز زیان هنگفت هیچ چیز عاید ایران نخواهد شد و ادعای سود بردن ایران در جنگ دروغ بی‌شمارانه‌ای است که از سوی وابستگان به آمریکا و به منظور جلب حمایت مردم ایران از جنگ وحشیانه غرب علیه عراق انتشار می‌یابد. در مقابل، محافظی از تندروهای حزب الهی می‌کوشند تا حکومت را به موضع گیری به سود صدام و شرکت در جنگ علیه آمریکا سوق دهند.

دولت ایران تا کنون در موضع اصولی بی طرفی قرار داشته است و گر چه در دوره‌ای از عراق با تائید حضور نظامی آمریکا و مشروطه کردن و خروج آمریکاییان به تخلیه کویت از سوی ارتش صدام گام خطرناکی علیه منافع ملی مردم ایران برداشت، اما به رفق تمایلاتی که در گرو هبندی رفسنجانی برای بهره‌برداری از اوضاع در جهت بنبود مناسبات با آمریکا دیده می‌شود، حکومت در این هر صحنه بسیار محتاطانه عمل می‌کند. شورای مرکزی، موضع بی طرفی دولت جمهوری اسلامی ایران و تلاش دولت برای امداد رسانی به مردم بی‌پناه و بی‌گناه عراق را قویا تاکید کرده ضمن هشدار نسبت به ماجراجویی‌های محافل تند رو خواستار افزایش کمک‌های داروئی و غذائی به مردم عراق است.

بقیعه در صفحه ۶

گزارش اجلاس مشترک

شوراهای مرکزی سازمان‌های کار و مسئولین منتخب کشورها

در روزهای جمعه ۱۲ بهمن تا یکشنبه ۱۴ بهمن (۳-۱ فوریه) اجلاس مشترک اعضای شورای مرکزی سازمان، مسئولین کشورها و اعضای گروه‌های کار برگزار شد.

در اجلاس مسئولین از ۱۱ کشور، اکثریت اعضای گروه‌های کار، نمایندگان کادر فنی نشریات و اعضای شورای مرکزی حضور داشتند و دستور کار آن به قرار زیر پیشنهاد شده بود.

۱- استماع گزارش ۶ ماهه شورا و گروه‌های کار، و اظهار نظر پیرامون آن‌ها

۲- تصمیم‌گیری درباره پیشنهادهای شورا

۳- چاره‌جویی برای بحران مالی

۴- گزارش مسئولین کشورها

۵- بررسی کنفرانس‌های پیش‌کنگره

اجلاس با یک دقیقه سکوت به یاد شهدای سازمان، جنبش فدایی و مبارزه آزادیخواهان مردم کشورمان به کار آغاز کرد.

اجلاس کار خود را با اظهار نظر درباره جایگاه حقوقی خود آغاز کرد. به این سوالات که آیا اجلاس حق تصمیم‌گیری در مواردی که ممکن است نقض تصمیم‌کنگره باشد دارد یا خیر، و این که مسئولیت این تصمیم و اجرای آن‌ها با کیست، اجلاس یا شورا؟ باید پاسخ گفته می‌شد. عده‌ای از حاضران اجلاس را فاقد حق تصمیم‌گیری میدانستند و عده‌ای نیز بر این که مسئولیت تصمیم و اجرای آن‌ها با شورای مرکزی خواهد بود تأکید می‌کردند.

سرانجام قرار زیر به رای گذاشته شد و با اکثریت ۵۶ درصد آرا به تصویب رسید:

۱- اجلاس مشورتی است و از لحاظ حقوقی تعریف شده نیست.

۲- شورا برای نظر سنجی و اتکا تصمیمات بر پایه‌ای استوارتر رفتار دعویت کرده است.

۳- شورا تصمیم به گسترش حق رای خود دارد و بنابراین برای دعوت شدنگان حق رای قائل است.

۴- رای مشورتی رفتار برای شورا قطعی تلقی می‌شود و تصمیم به اجرای آن دارد و مسئولیت آن را می‌پذیرد. دو قرار زیر نیز در اجلاس پیشنهاد شدند که هر یک ۲۷ درصد آرا کسب کردند:

پیشنهاد اول:

۱- این اجلاس مشورتی است.

۲- تصمیم‌گیری اجلاس با حق رای برابر شرکت کنندگان وقتی نافذ است که ترکیب اکثریت آرا شورا در تصمیمات وجود داشته باشد.

۳- در تغییر این صورت شورا مجدداً تصمیم‌گیری خواهد کرد.

پیشنهاد دوم:

از مجموعه شرکت کنندگان در جلسه اعضای شورای مرکزی دارای حق رای قطعی و بقیه مدعوین دارای حق رای مشورتی هستند.

به این ترتیب اجلاس پیشنهاد شورا را که جوهر آن اجرای تصمیمات اجلاس با مسئولیت شورا بود، تصویب کرد. پس از آن، اجلاس همومی در خلال مدتی که دایر بود، به شرح زیر به مسائل در دستور پرداخت:

۱- اظهار نظر پیرامون گزارش‌های ۶ ماهه شورا و گروه‌های کار:

گزارش‌های سیاسی و فعالیت تشکیلاتی ۶ ماهه از سوی شورا و گزارش گروه‌های کار مختلف، نه به منظور اطلاع اجلاس و کل تشکیلات، و اظهار نظر مدعوین پیرامون آنها و تدقیق بعدی آن‌ها، به اجلاس ارائه شده بودند. سخنرانان مختلف ضمن تأیید موضع کلی شورا در قبال مهمترین واقعه سیاسی همزمان با دوره فعالیت شورا، یعنی بحران و سپس جنگ خلیج فارس، کاستی‌ها و لغزش‌های موجود در مواضع شورا را متذکر شدند. شورا تجاوز عراق به کویت را محکوم کرده و در روند بعدی حوادث، ضمن اتخاذ موضع انتقادی نسبت به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، آمریکا را نیز به عنوان مسئول اصلی شروع جنگی که می‌شد از آن پر هیز کرده، محکوم کرده و شعار قطع بی‌قید و شرط جنگ را طرح کرده بود. سخنرانان نیز این نظر را ابراز داشتند که طرح شعار قطع بدون قید و شرط جنگ و مطالبه صلح مجرد تمایز روشنی با آنچه امروز صدام حسین طرح می‌کند ندارد و این شعار می‌باید توأم با پذیرش عقب‌نشینی عراق از کویت طرح شود.

بحث و اظهار نظر درباره سیاست اتحادها نیز از زمره موارد قابل توجه سخنرانان بود. اظهار نظرها بر یک جنبه از مساله تمرکز بیشتری داشت: آیا ترتیب مبارزه ابتدا برای تشکیل اتحاد چپ، سپس برای اتحاد نیروهای جمهوری خواه و عاقبت برای اتحاد وسیع نیروهای اپوزیسیون صحیح است؟ تنوع نظرات در این باره گسترده بود. کسانی بر این نظر بودند که ترتیب فوق اولی است و به حد قدرت چپ در جامعه مربوط می‌شود. این رفتار اتحاد عمل و همکاری با سلطنت طلبان را یا در شرایط فعلی و یا به طور کلی، به لحاظ تغییر سلطنت با صلح، دموکراسی و منافع ملی، رد می‌کردند. کسانی دیگر، به لحاظ این که چشم‌انداز نزدیک اتحاد چپ فیرواقعی است، یا بر لزوم تلاش مقدم برای ایجاد اتحادهای وسیع از همه نیروهای اپوزیسیون حول دموکراسی تأکید می‌کردند و یا تشکیل جبهه جمهوری راهد مقدم سیاست اتحادها می‌دانستند.

پیرامون سایر موارد مندرج در گزارش سیاسی شورا نیز اظهار نظرهای پراکنده‌ای صورت گرفت. قرار بر این شد که گزارش پس از وارد کردن تذکرات در دست سخنرانان در آن، انتشار یابد.

در برخورد به گزارش فعالیت ۶ ماهه شورا، قالب سخنرانان، ضمن ارزیابی مثبت از کار شورا، انتقاداتی را از زوایای مختلف به کار آن وارد دانستند. ضعف ارتباط شورا با تشکیلات و گروه‌های کار انتقاد بیشتر سخنرانان به کار شورا بود.

حاضران در اجلاس همچنین نسبت به گزارش گروه‌های کار روابط عمومی، تشکیلات داخلی، تشکیلات خارج، مالی، نشریات کار و اکثریت، خلق‌ها، تدارک اسناد کنگره و رادیو اظهار نظر کردند و ضعف کار هر کدام را مورد تأکید قرار دادند. اجلاس قرارهایی را نیز در ارتباط با تعدادی از این گروه‌ها صادر کرد. قرارهای صادره در مورد گروه‌های کار خلق‌ها و روابط عمومی، و تدارک اسناد کنگره به قرار زیر بودند:

درباره گروه‌های کار خلق‌ها - روابط عمومی:

شورا موجبات هماهنگی دو گروه کار خلق‌ها و روابط عمومی را در

مناسبات سازمان، سازمان‌های ملیت‌های غیر فارسی فراهم می‌آورد. درباره تدارک اسناد:

اجلاس گروه کار تدارک اسناد کنگره و شورا را موظف می‌کند که وظایف گروه را در نخستین اجلاس‌های خود تدقیق کنند تا گروه بتواند بر آن اساس کار خود را پیش برد.

توضیح در این باره این که بحث اصلی درباره کار این گروه حول این سوال متمرکز بود که آیا تدوین اسناد واحد برنامه‌ای و اساسنامه‌ای توسط گروه میسر است و گروه باید در این جهت بکوشد و یا نیروی خود را مصروف برگذاری سمینارها و پیشبرد بحث‌ها پیرامون برنامه‌های مختلف کند؟ در این باره نظرات و پیشنهادهای متعددی ارائه شد که سرانجام پیشنهاد فوق که متضمن رسیدگی به سایر پیشنهادهای نیز تشخیص داده شد، از تصویب اجلاس گذشت.

۲- تصمیم درباره پیشنهادهای شورا

شورا برای رفع دشواری‌های موجود سه پیشنهاد به اجلاس ارائه کرده بود. اجلاس به شرح زیر به این پیشنهادهای رسیدگی و قرارهایی در هر مورد صادر کرد:

الف- انتشار یک نشریه به جای دو نشریه:

پیشنهاد شورا انتشار یک نشریه هفتگی به جای نشریات کار و اکثریت بود. اهم دلایل شورا برای این پیشنهاد این بود که محدودیت‌های حاد فنی و مالی انتشار دو نشریه با کیفیت مطلوب را غیرممکن کرده است. شورا بر این نکته تأکید داشت که انتشار یک نشریه هفتگی به جای دو نشریه فعلی متضمن صرفه‌جویی مالی چندانی نیست. اما نظر به لزوم حفظ سطح فعالیت سیاسی سازمان، در این پیشنهاد خود ملاحظاتی مالی را در نظر نگرفته است. لازم به ذکر است که پیشنهاد دو برابر کردن دوره انتشار دو نشریه، با ملاحظه وضع مالی، نیز در شورا مطرح شده بود.

از آنجا که کنگره نخست سازمان تصریحاً به انتشار دو نشریه رای داده است، تصمیم‌گیری در این باره از حساسیت خاصی برخوردار بود. سخنرانان مختلف و از جمله نمایندگان کادر فنی درباره جبهات مختلف امر اظهار نظر کردند. سپس چندین قرار پیشنهاد شد که قرار زیر با ۴۶ درصد آرا تصویب رسید:

نظر به ضرورت وجود نشریه‌ای با کیفیت مناسب جهت تأمین حضور موثر سازمان در عرصه‌های سیاسی و نظری، و محدودیت امکانات فنی، مالی و تحریری برای انتشار دو نشریه با کیفیت مناسب در شرایط خاص، به جای دو نشریه کار و اکثریت یک نشریه واحد منتشر می‌شود. پیرو این نشریه از شورا و گروه‌های کار دو نشریه و پرسنل فنی تعیین خواهند کرد.

ب- اقدام دو گروه کار تشکیلات خارج و تدارک اجرایی کنگره

در این باره پیشنهاد شورا این بود که وظایف دو گروه در هم ادغام شوند و گروه تشکیلات خارج توسط اعضای متمرکز گروه تدارک اجرایی کنگره تعویب شود.

اجلاس با نظر داشتن به حفظ هویت اعضای گروه‌ها در گروه‌شان قرار زیر با اکثریت قریب به اتفاق آرا تصویب گذراند:

۱- دو گروه کار تشکیلات خارج کشور و تدارک اجرایی کنگره در هم ادغام می‌شوند.

۲- اجرای این قرار منوط به تمایل دو گروه کار مذکور است.

۳- بحران مالی در سازمان و چاره‌جویی برای آن:

در گزارش شورا، از مشکل مالی به عنوان مشکلی که امروز پیشبرد فعالیت‌های سازمان را به خود مشروط کرده است، این شکل در اجلاس مشترک مورد بررسی نسبتاً تفصیلی قرار گرفت. گزارش مالی پس از کنگره به اجلاس ارائه شده بود. بسیاری از سخنرانان بر این تأکید داشتند که بحران مالی یک امر سیاسی است، با وضع همومی نیروهای سیاسی و جنبش ارتباط دارد و منحصر به چارچوب سازمان نیست. در همین حال بسیاری از پیشنهادها که متوجه گشایش‌های مالی در کوتاه و بلند مدت بودند ارائه شدند. این پیشنهادهای در اختیار گروه مالی قرار گرفت و گروه ملزم به بررسی آن‌ها شد. در همین حال، بحران مالی زیر تأثیر وضعیت گذشته سازمان و نیز بعضی ناسامانی‌ها در سازمان مانده‌ی گروه مالی تشخیص داده شد. از این رو اجلاس با نهایت به تأثیر این عوامل و نیز با پذیرش این واقعیت که تدابیر بلندمدت چاره شکل فوری امروز نیست و برای تخفیف بحران مقدماً باید بر نیروی تشکیلات متکی بود، قرارهای رادر بندهای مختلف به قرار زیر تصویب گذراند:

۱- اجلاس از شورای مرکزی می‌خواهد که برای پیشرفت امور مالی سازمان، تصمیمات مقتضی در سازماندهی امور مالی را اتخاذ کند و به اجرا بگذارد.

۲- گروه کار مالی ملزم است حداکثر تا یکماه و نیم دیگر گزارش ارائه شده به اجلاس را تنظیم نهایی نموده در اختیار تشکیلات قرار دهد.

۳- اجلاس، با نهایت به تخفیف بحران مالی ناشی از نظم گرفتن شبی بازگشت نهایی نشریات، در پی فراخوان‌های قبلی، مجدداً همه اعضا را برای قلبه بر بحران مالی فرامی‌خواند و در این راستا توزیع وسیع قبض‌های کمک مالی، پرداخت حق عضویت‌های معوقه، پرداخت نظم حق عضویت‌های جاری و ابتکارات مالی چون برگزاری جشن‌ها و فیرها را به واحدهای حزبی و اعضای سازمان قویاً توصیه می‌کند.

۴- اجلاس از همه واحدهای سازمان می‌خواهد حداکثر تا دو ماه دیگر گزارش مالی واحد مربوطه را که شامل برنامه مالی، پیش‌بینی هزینه‌ها و درآمدها تا کنگره آتی سازمان باشد را به گروه مالی داده تا این گروه بتواند برای سازمان مرکزی برنامه مالی قابل قبول و پیش‌بینی شده تهیه کند.

۵- اجلاس از گروه کار مالی می‌خواهد که امر حسابرسی حساب‌های گذشته را تسریع نموده و نتیجه نهایی بررسی حساب‌ها را حداکثر تا یک ماه قبل از کنگره به تشکیلات ارائه دهد.

اجلاس همچنین تذکراتی را در مورد شیوه کار گروه مالی طرح کرد که گروه در کار آتی خود و در اقدامات بلندمدت آنها را رعایت خواهد کرد. کار اجلاس همومی در نیمروز یکشنبه ۱۴ بهمن ۶۹ به پایان رسید.

گزارش تحولات سیاسی کشور و منطقه و ...

وجود دارد که در چشم‌انداز آتی برخی گشایشها در عرصه اقتصاد پدید آید، اما سیر منفی روندها در اقتصاد متوقف شده است.

واضح است که این موضع‌گیری پاسخگوی همه مسئله نیست و پیگیری مستمر روندها و رسیدن به پاسخ روشن تر باید همچنان ادامه یابد و ارزیابی دقیق تری از سیر تحولات، بویژه در زمینه اقتصاد صورت گیرد و به این سوال پاسخ روشن تری داده شوند که سیر و فرجام بحران اقتصادی موجود چه خواهد بود؟

شاید هنوز نتوان از "برنامه گروهبندی رفسنجانی" سخن گفت. اما بر اساس مجموعه جهت‌گیری‌های این گروهبندی می‌توان، کوشش در جهت هادی سازی مناسبات با دول فربری و بویژه آمریکا، اقدام در جهت بازتر کردن درها و هم‌پیوندی بیشتر با اقتصاد جهان سرمایه‌داری، فراهم کردن تسهیلات بیشتر برای بخش خصوصی و تداوم استبداد سیاسی ضمن نشان دادن برخی نرزش‌ها در زمینه حقوق فردی و اجتماعی شعروندان را

همه‌ترین جهت‌گیری‌های برنامه‌های دولت رفسنجانی دانست تا امروز موضع ماتاکید بر دموکراسی (که بر پایه نگرش دموکراتیک سازمان، مسئله اصلی کشور تلقی می‌شود) و اعلام مخالفت با رفسنجانی و گروهبندی مسلط (که به مثابه نیروی اصلی حکومت نقش اصلی را در سرکوب و اختناق برعهده دارد) بوده است.

روشن است که این هنوز موضع جامع‌ای نیست و ما ناگزیریم در مورد مواضع رفسنجانی در عرصه سیاست خارجی و مسائل اقتصادی و اجتماعی اظهار نظر کنیم. تا اکنون ما ضمن تأیید اصل سیاست هادی سازی رابطه با عرب، رفسنجانی را بعنوان معمار مشی "ایران گیت" مورد حمله قرار داده و یادآور شده‌ایم که مجموعه عواملی که او را وادار می‌کنند که نوع رابطه‌اش با غرب و بویژه آمریکا را از چشم مردم پنهان کند سبب می‌شوند که از فائده‌ها و توان‌های رابطه معقول و از موضع برابر حقوق با طرف مقابل باشد.

علاوه بر این اقدامات - هر چند محدود و نیم‌بند - سوی دولت رفسنجانی روبرو هستیم که ممکن است در جهت کاهش فشار بر مردم نتایجی به بار آورد، برخی اقدامات در جهت تضعیف مکتب به سود تخصص و در راستای کاستن از نفوذ حزب الله بر زنان و زندگی اجتماعی مردم گاه به گاه صورت می‌گیرد و تلاشهایی از این گونه در شمار حرکاتی است که در جامعه بازتاب نسبتاً وسیع می‌یابند. ما تاکنون از اتحاد مواضع صریح در اینگونه موارد خودداری کرده‌ایم اما صحیح تر آن است که ضمن حفظ موضع مخالفت قاطعانه با گروهبندی رفسنجانی و خامنه‌ای و مقابله با توهم پراکنی‌های حکومت، هر اقدام، ولو محدود و کوچکی را که مثبت ارزیابی می‌کنیم، مورد پشتیبانی قرار دهیم و در تداوم افشاکاری علیه گروهبندی مسلط انتقاد از محافل تند رو و افشای مستمر اجنبی ستیزی ماجراجوئی و بی‌برنامگی آنها را تشدید کنیم.

شورا همه عراق است. شورا همه میهنان آزاده و صلح دوست را به مشارکت فعال در این امر انسانی فرا می‌خواند، گرچه با اطلاعات کافی برای تضوات قطعی پیرامون نقش دولت رفسنجانی در مجموعه روندهای منطقه در دست نیست، اما بر اساس مجموعه شواهد می‌توان گفت که دولت ایران تا کنون نتوانسته است تناسب یا نقش و جایگاهش در منطقه در جهت جلوگیری از جنگ و حفظ صلح تأثیر بگذارد و در همین حال کوشیده است با استفاده از این جنگ در جهت مشروعیت بخشیدن رابطه خود با امریکاسود جوید.

باناکام ماندن طرح درهم توپیدن برق آسیای ارتش صدام، اینک اخباری در باره تلاش برای تجزیه عراق انتشار می‌یابند و برخی حکومت‌های منطقه متقابلاً به یکدیگر در این خصوص هشدار می‌دهند. شورای مرکزی سازمان هر نوع تلاش برای تصمیم‌گیری پیرامون آینده عراق در خارج از عراق را قویاً محکوم می‌کند و بر این باور است که تنها مردم عراق و حکومت‌های ساکن این کشورند که حق دارند پیرامون آینده آن تصمیم بگیرند.

تحولات کشور طی ماه‌های گذشته کماکان تحت تأثیر جدی درگیری‌های درون حکومت قرار داشت. این درگیری‌ها که در جریان انتخابات مجلس خبرگان اوج تازه و کم سابقه‌ای یافت و به دنبال وارد شدن یک ضربه سنگین و کاری بجزئیات "تندرو" از یکسو و تضعیف اعتبار خامنه‌ای و تقویت نقش و موقعیت رفسنجانی از سوی دیگر، موقتاً فروکش کرد و در شرایطی که طرفین به تدارک قوا برای دور بعدی درگیری روی آورده‌اند، در سطحی دیگر و در اشکال پراکنده ادامه دارد.

مجموعه تحولات یاد شده در سرمقالات و مقالات نشریات سازمان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و شورای مرکزی طی بیانیه پیش گفته، تحلیل نسبتاً جامعی از سیر تحولات کشور و درگیری‌های درون حکومت ارائه داد. چون بیانیه شورا انتشار یافته و اکنون نیز در اختیار رفاقت، از ارائه تحلیل مجدد در اینجا خودداری می‌شود و تنها نکات مهمی که امروز در اتخاذ سیاست دارای اهمیت است، مورد مداقه قرار می‌گیرد.

مهمترین سئوالات و مسائل و نیز برخی از پاسجهائی که شورا تا امروز به آنها داده است، به قرار زیرند:

۱- بعد از ضرباتی که بر محافل تند رو وارد آمد و تحت تأثیر مجموعه تحولاتی که به دنبال پیشروی و در مسیر صلح با عراق و بحران خلیج پیش آمدند، چه گشایش‌های تازه‌ای برای رفسنجانی و گروهبندی مسلط پدید آمده است؟

شورا در پاسخ به این مسئله اعلام می‌کند که نتایج مجموعه تحولات را می‌توان با فراهم شدن امکانات تازه برای خارج شدن مشی رفسنجانی از چنبره تضادهای حکومتی توضیح داد. اما هنوز تحولات کشور، تحت تأثیر جدی جنگ قدرت دو جناح رژیم قرار دارد و گرچه این احتمال

گزارش تحولات سیاسی کشور و منطقه و ...

در برخورد با درگیری جناحی رژیم این سوال وجود دارد که سیاست ما در تحلیل نهائی باید در جهت تضعیف یا تقویت کدام یک تأثیر بگذارد. پاسخ ما بدین سؤال این است که سیاست ما باید با در نظر داشت مستمر منافع ملی، تضعیف کل حکومت در مقابل تقویت اپوزیسیون ملی و دمکرات را هدف خویش قرار دهد و هیچیک از جناحهای حکومت شایسته پشتیبانی نیروهای ترقیخواه کشور نیستند. چنین سیاستی البته ممکن است در اینجا آنجا سود یازیان این یا آن جناح تأثیر بگذارد. این امر طبیعی است و نباید ما را از پافشاری بر خط مشی اصولی خویش باز دارد.

۳- تضادهای درون حکومت را چگونه باید دسته بندی نمود و فرمول دو جناح، "مسلط" و "تندرو" تا چه میزان بیانگر واقعیت های موجود است؟
 آنجا که به ارزیابی از گروه بندی مسلط مربوط میشود، این گروه بندی ائتلافی است از رفسنجانی، خامنه ای و جریان رسالت که علی رقم تضادهای درونی و تعلقات متفاوت در مجموع می کوشد بر مجموعه های مرکب از بازار، محافل بوروکرات و تکنوکرات، سرمایه صنعتی، بخشهای از روحانیت و حزب الله، ارتش و نیروهای مسلح متکی باشد. این ائتلاف در درون خود با تنشهای روبروست که هرازگاهی در موضع گیریهای متفاوت سران آن انعکاس می یابد. اما مولفین در مبارزه علیه تندروها و در مناصری از بر نامه رفسنجانی اشتراک نظر دارند و از زمان مرگ خمینی تا امروز به رغم تنشهای درونی و جنگ قدرت توانسته اند ائتلاف خویش را حفظ کنند. پیش بینی آینده این ائتلاف البته آسان نیست. اما دو نکته روشن است: نخست آنکه رفسنجانی اگر بخواهد به وعده های که در زمینه افزایش تولید و مهار تورم و قلیه بر بحران اقتصادی داده، عمل کند، چاره ای جز اعمال فشارهای جدی بر بازار ندارد و بازاری که طی دوازده سال حکومت فقط در سایه حمایت مستمر حکومت، و ثروتهای نجومی اندوخته و به کسب درآمد آسان و نامعقول هادت کرده، به هیچوجه محدودیتی به آسانی تن نخواهد داد و نکته دوم که اهمیت کمتری ندارد این است که دو پادشاه در ائتلمی ننگیند، و تقسیم کار موقتی که در شرایط اضطراری بعد از مرگ خمینی بین خامنه ای و رفسنجانی انجام گرفت و به تقسیم قدرت میان دو نهاد "ولایت فقیه" و "ریاست جمهوری" منجر شد، باروند اجتناب ناپذیر تمرکز قدرت که لازمه حکومت های استبدادی است در تناقض قرار دارد.

و اما درباره جناح تندرو، این جناح طیف گسترده ای از چماق داران بدنامی نظیر خلخالی، هادی نظاری تا روشنفکران برخاسته از محیطهای دانشگاهی نظیر اسفرازاده را در بر می گیرد که تنها در مقابله با سیاست خارجی و برنامه اقتصادی رفسنجانی و گروه بندی مسلط اشتراک نظر دارند و آنجا که برنامه های اثباتی مطرح می شوند، پیش از اختلاف نظر باید از فقدان نظر و سردرگمی آنها سخن گفت.

در این جناح، بویژه بعد از شکست در جریان مجلس خبرگان، تمایلات نسبتاً متفاوتی در هر صدهای مختلف به چشم می خورد. برخی از عناصر بانفوذ آن، به سازش با گروه بندی مسلط و پذیرش سهمی که برایشان منظور شده، تمایل دارند در حالیکه برخی دیگر در مخالفت با طیف مقابل و بویژه شخص رفسنجانی بیش از گذشته پیگیری نشان می دهند در سایر هر صدها نیز در شرایطی که دسته ای به نارنجک اندازی و مقابله علیه بی حجابی و حمایت از صدام حسین روی آورده و حول محتشمی و بیانیه (ماده ای او گرد آمده اند، مناصری به احیای رابطه با منتظری می اندیشند و جمعی نیز به انگشت نهادن بر تضاد "ولایت فقیه" با "حکومت مردم" تمایلاتی نشان داده اند. و به نظر می رسد که در این مجموعه نیم نگاهی به اعتراضات عمومی و تیز کردن آتش مبارزه مردم و سوق دادن آن علیه گروه بندی حاکم به قصد بهره برداری از آن در خدمت اهداف خویش نیز وجود داشته اند.

وجود اختلاف نظرهای نسبتاً جدی و قابل ملاحظه در این جناح و نبود یک رهبری شکل یافته و متمرکز در میان آنها این سؤال را مطرح کرده که تنها چه وقت آنها قادر خواهند بود حول مسائلی نظیر مخالفت کلی با ائتلاف حاکم متحد بمانند؟

آیا در انتخابات مجلس که جناح مسلمان هم اکنون مصمم است با تکرار تجربه خبرگان، "اتر از آن خود کند، آخرین سنگ مهم تندروها نیز فتح نخواهد شد و چیزی که به صورت اکثریت مجلس شکل گرفته و تا حدودی بیانگر تعیین سازمانی تندروهاست، ناپود نخواهد شد؟ گر چه سیر عمومی روندها در این جهت است، اما پیش بینی قطعی محتاج به گذشت زمان بیشتری است.

۴- جنبش توده ای در چه وضعیتی است و در کدام جهت سیر خواهد کرد؟
 بعد از استقرار آتش بس میان ایران و عراق این انتظار منطقی که جنبش مطالباتی مردم از رکود بدر آید و مردم برای کسب حقوق لگد مال شده خویش دست به اشکال مختلف مبارزه جمعی بزنند، به دلایل متعدد متحقق نشد و رکود نسبی همچنان ادامه پیدا کرد. اما در ماههای اخیر تحولاتی در این عرصه پدید آمده است. بعد از اعتراض گسترده فرنگیان، بعد از سالها رکود، شروع دور تازه ای از مبارزه مردمی رانویید داد. دولت رفسنجانی در مقابل این حرکت، عقب نشینی کرد و بجای توسل به زور نه افزون بر حقوق کارمندان روی آورد و سپس به عنوان یک اقدام پیشگیرانه به حقوق ماهیانه مزد و حقوق بگیران تحت پوشش بیمه نیز ۲۰۰۰۰ ریال افزوده خبرهای رسیده بیانگر آن است که این تمهیدات چندان موثر نبوده اند و با افزایش سریع قیمت ها که با شناور شدن نرخ برابری ریال احتمالاً باز هم سریع تر خواهد شد. قدرت خرید مردم همچنان رو به کاهش است.

شکاف موجود در حکومت نیاز تندروها برای آنکه در میان مردم بعنوان مدافع عدالت اجتماعی شناخته شوند و از این طریق علیه رفسنجانی نیرو بسیج کنند و تمایل رفسنجانی برای اینکه در افکار عمومی سیمائی مخالف سرکوب ضمن داشته باشد و تحولات اخیر منطقه مجموعاً شرایطی را پدید آورده که تمایل عقب نشینی به رژیم در عرصه جنبش مطالباتی به امکانی واقعی بدل شود. پیروزی نسبی نخستین حرکات اعتراضی این امکان را تقویت کرد و گسترش حرکات مردمی با خواسته های صنفی را در دستور روز قرار داده است، این نکته برای فعالین سازمان در داخل کشور دارای اهمیت حدی است و وظایف تازه ای را در دستور کار سازمان و دستگاه رهبری آن قرار می دهد.

اصلاح ساختار تشکیلات و سبک کار در داخل کشور که از سالهای پیش آغاز شده در خدمت حضور موثر تر فعالین سازمان در جنبش مطالباتی مردم قرار داد. شورای مرکزی می کوشد تا از طریق ادامه اصلاحات و پیگیری مستمر سیر مبارزات صنفی و مطالباتی ارائه پیشنهاد های مناسب به فعالین داخل حضور سازمان در مبارزات مردم رافزایش یابد.

۵- آیا گشایشی در زمینه آزادیهای فردی و سیاسی پدید خواهد آمد؟

ساختار مبنی بر ولایت فقیه حکومت، جایگزینی یک استبداد فردی تازه بجای مطلق العنانی خمینی را به امری اجتناب ناپذیر بدل می کند و تا آنجائی که به تمایل و خواست حکومتگران مربوط است آنها در جهت پر کردن خلأ خمینی در راس حکومت حرکت می کنند. اما همه چیز طبق تمایل آنان پیش نمی رود. تضاد حاد جناحین حکومت که اینجا و آنجا به برخورد مسلحانه نیز منجر شده است، نبود شخصیتی که همین امروز بتواند خلا خمینی را بر کند و مورد قبول دیگران و پایه اجتماعی رژیم قرار بگیرد، بحران اقتصادی و اجتماعی، ناراضیاتی عمومی و حرکات اعتراضی توده ای، سیر تحولات جهانی و یک سلسله عوامل دیگر، روند جایگزینی را کند و در موارد متعدد دچار وقفه و عقب نشینی می سازند.

روند زنگزکی جایگزینی، خواه ناخواه روزنه ها و گاه شکافهایی در دیوار بلند و قطور استبداد ایجاد می کند و امکانات مناسبی برای گسترش مبارزه در راه آزادی و به عقب راندن رژیم در این عرصه پدید می آورد. بویژه برای ما که در راه پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می کنیم همواره این خطر وجود دارد که از دیدن این امکانات واقعی محروم بمانیم و نتوانیم میان روندهای عمومی و کلی و شرایط مشخص هر لحظه، رابطه منطقی برقرار سازیم.

پیشنهاد تمرکز مبارزه برای پایان دادن به رژیم حول خواست انتخابات آزاد که از سوی شورای اسناد کار پایه سیاسی مطرح شد و تلاش برای هر چه منصف تر کردن اشکال سازماندهی و شیوه های کار در داخل کشور، به فعالین سازمان کمک خواهند کرد تا بتوانند از امکانات مساعدی که در این یا آن مقطع پدید می آید- هر اندازه که این امکانات محدود و گذرا باشند- بدرستی در جهت هدف کلی پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی استفاده کنند.

۶- آیا قطعی از اپوزیسیون ترقیخواه شکل می گیرد؟
 تحولات نظری که در سالهای اخیر در مجموعه نیروهای سیاسی و بویژه در اردوگاه چپ جریان داشته، اکنون به نظر می رسد که از نقاط ضعف عبور کرده، روند و اگر ائی متوقف و همگرائی های فکری رو به گسترش نهاده است. این واقعیت موجب برخی

خوش بینی ها شده است که می توان آنرا شتابزده ارزیابی نمود. اما جدا از این خوش بینی ها روند همگرائی و نود واقعی است که با آهنگ خاص خود به کندی پیش می رود. در این رابطه با این روند و چگونگی برخورد با سایر نیروهای سیاسی ما باید مقدماتاً به این سؤال تئوریک پاسخ بدهیم که آیا مجموعه اهداف خویش را تفکیک ناپذیر میدانیم و با آماده ایم با کسانی که مایلند بخشی از راه را با ما طی کنند، متحد شویم؟ از نظر ما اهدافمان تفکیک پذیرند و می توان بخشی از راه را با متحدین همان بخش طی نمود. بر این مبنا ما خواستار تلاش همزمان در سه عرصه زیر هستیم و این خواست را در کار پایه سیاسی پیشنهادی نیز منعکس کرده ایم.

۱- مبارزه در راه وحدت چپ در شکلی منصف و فراگیر.

۲- تلاش در راه اتحاد جبهه ای با سایر نیروهای سیاسی دمکرات و ملی در "جبهه جمهوری" که در راه برقراری جمهوری پارلمانی مبارزه می کند.

۳- تلاش برای یافتن زبان مشترک با نیروهای بینابینی که ضمن دفاع محدود از اشکال محدودی از دمکراسی با نیروهای مدافع حکومت اسلامی و یا سلطنت پیوند دارند. این نیروها در شرایط مساعد سیاسی می توانند بعنوان متحدین موقت "جبهه جمهوری" نقش مثبت داشته باشند.

در مبارزه در راه وحدت چپ، هنوز مسائل و مشکلات نظری منافع اصلی به شمار می رود. روندهای طی شده در چند سال گذشته و تلاش گسترده ای که برای باز تبیین هویت چپ صورت گرفته، بخشی از موانع نظری را بر طرف ساخته است. اما هنوز تا دستیابی به بنیانهای نظری و واحد، راه نه چندان کمی مانده است. از اینرو شورا ضمن دفاع از سمتگیری کلی وحدت چپ ممکن است تکیه نمود و از هر نوع شتابزدگی که می تواند به سرهم بندی پلاتفرم های ناپایدار منجر شود، خودداری ورزید.

در رابطه با "جبهه جمهوری" پراکندگی تاسف باری که اکنون هم در میان چپ و هم در میان نیروی جمهوری خواه دمکرات و خوددار، مانع پیشروی با آهنگ مطلوب در مسیر اتحاد است. اما روندهای طی شده در ماههای گذشته و مناسبات رو به گسترش ما با این نیروها، امیدواری هایی پدید آورده است. شورا ضمن حفظ گسترش مناسبات موجود، تلاش می کند تا این روابط از حد بحث و تبادل نظر فراتر رود و به همکاری سیاسی مشخص فرا برود. توفیق در این عرصه، نقطه عطفی را در مناسبات فيما بین که در گذشته آسیب های جدی بر آن وارد آمد رقم خواهد زد.

هیئت پارلمانی جمهوری اسلامی در اردن

می یافت سلطه خود را در منطقه تحکیم بخشد. هیئت فوق قبل از ورود به اردن در سوریه نیز توقف کرده بود.

سفر هیئت پارلمانی جمهوری اسلامی را نباید با تلاش جناح های تندرو - که در مجلس اکثریت دارند - برای دخالت مستقیم در وضعیت پدید آمده ناشی از جنگ بی ارتباط دانست. سفر این هیئت در تهران با بی اعتنائی کامل مواجه شد.

سوی هیچ کس جدی گرفته نشد. هیئت فوق با مقامات بلند پایه کشور اردن ملاقات کرد و محمد سلامتی در مجلس سنای اردن سخنرانی نمود. وی در این سخنرانی گفت: آمریکا و اسرائیل می خواهند با کمک این جنگ سلطه گری خود را در منطقه تحکیم بخشند و منابع نفت و ثروت مسلمانان و اعراب منطقه را در اختیار خود بگیرند. سلامتی افزود: حتی اگر این مسئله اشغال کویت توسط عراق، و وجود نداشت استعمار جهانی بمانه دیگری

یک هیئت پارلمانی ایران به ریاست محمد سلامتی، هفته گذشته راهی امان پایتخت اردن شد. این هیئت نخستین هیئت جمهوری اسلامی است که پس از ۱۰ سال قطع رابطه به اردن سفر کرده است. حامل پیام کتبی مهدی کربوبی رئیس مجلس شورای اسلامی برای عبداللطیف قرویبه رئیس پارلمان لبنان بود. پیام کربوبی در رابطه با جنگ خلیج فارس بوده است. مهدی کربوبی قبلاً یک طرح صلح ۵ ماده ای ارائه کرده بود، که از

سیل زدگان به حال خود رها شده اند

بقیه از منصفه اول

افغانستان به زمین نشسته که با ذوب این برف احتمال جاری شدن مجدد سیل وجود دارد و خطر همچنان این منطقه را تهدید می کند. لازم به یادآوری است که ۱۰۰ روستایی که در جریان سیل اخیر ویران شد در سیل فروردین ماه گذشته در این ناحیه نیز تخریب و ویران شده بود.

این سرزمین محروم و بلا دیده که اینک انبوهی از قربانیان سیل اخیر را در خود جای داده و با خطر سیلی مجدد تهدید می شود، به حال خود رها شده است. نه کمک های امدادی و نه اقدامات پیشگیرانه برای مقابله با خطرات آینده از سوی نهادهای دولتی صورت نمی گیرد.

قابل توجهی به سیل زدگان صورت نمی گیرد. سرنوشت ده ها هزار خانوار محاصره شده در سیل هنوز ناروشن است و به نظر می رسد تعداد کسانی که جان خود را از دست داده اند بسیار بیشتر از آمار اعلام شده (۱۰ نفر) از سوی مقامات دولتی باشد.

سیل از آخرین ساعات روز دوشنبه ۱۵ بهمن شروع به فروکش کرد. اما تاکنون نیز اثرات آن از بین نرفته است و این در حالی است که احتمال جاری شدن مجدد سیل این منطقه را همچنان تجدید میکند. بنا به گفته استاندار سیستان و بلوچستان حدود ۲ متر برف در استان "قرا" در

جهت نجات و اسکان سیل زدگان و رساندن مواد غذایی به بیش از ۵۰ هزار خانوار سرگردان در کنار جاده ها انجام نگرفته بود. ستاد سیل زایل از چادر و مواد غذایی بی بهره است و از آغاز بروز سیل در انتظار هلی کوپترهای شنوک است که هنوز (۱۵ بهمن) به منطقه نیامده اند. فرماندار زابل در چهارمین روز وقوع سیل اعلام کرد که فقط از امکانات این شهرستان برای نجات سیل زدگان استفاده شده و تاکنون امکانات کافی از دیگر مناطق ارسال نشده است. گزارشات بعدی حاکی از آن است که این وضعیت تا هم اکنون نیز ادامه دارد و کمک های امدادی

جنگ خلیج فارس یا **شدت تمام ادامه دارد**، نبروهایی نظامی آمریکا و متحدین او تحت عنوان **”آزاد سازی کویت“** با مدرنترین و پیشرفته ترین سلاحها مردم عراق و ثروتهای آن را نابود میسازند. قبل از شروع جنگ، تلاشهای زیادی صورت گرفت تا بحران خلیج بطرق مسالمت آمیز حل شودولی سرانجام بخاطر کله شقی صدام و اهداف تجاوزگرانه آمریکا، ”راه حل“ نظامی بر اقدامات سیاسی – دیپلماتیک و تحریم های اقتصادی غلبه کردو فاجعه جنگ آغاز شد. جنگ بدون تردید جان صدها هزار انسان را خواهد گرفت، ویرانیهای عظیم بجا خواهد گذاشت. در همین حال جنگ بر آینده منطقه خاورمیانه و جهان تأثیرات جدی خواهد داشت که هنوز نمیتوان بدقت در مورد آن صحبت کرد.

ولی شروع جنگ به برخی مسائلی که در ذهن ما مطرح بود، پاسخ گفت. قبل از شروع جنگ این مسئله بطور جدی مطرح بود که آیا بحران جنگ خلیج بجنگ خواهد انجامیدو یا از طریق مذاکره حل و فصل خواهد شد؟ آیا گرایش توسل به جنگ بر گرایش حل بحران از طریق سیاسی –دیپلماتیک غلبه خواهد کرد؟

در ذهن ما مطرح بود، پاسخ گفت. قبل از شروع جنگ این مسئله بطور جدی مطرح بود که آیا بحران جنگ خلیج بجنگ خواهد انجامیدو یا از طریق مذاکره حل و فصل خواهد شد؟ آیا گرایش توسل به جنگ بر گرایش حل بحران از طریق سیاسی –دیپلماتیک غلبه خواهد کرد؟

تا شروع جنگ نظرات مختلف در این مورد بیان میشد. پیش بینی اینکه بحران خلیج الزاما به جنگ منجر خواهد شد، دشوار مینمودو شاید جواب قطعی دادن بآن غیر منطقی. چرا که احتیاج به اطلاعات وسیع از مواضع طرفو و سیر روندها داشت. ولی در همین حال نظری قاطعانه میگفت که ”جنگ نخواهد شد“ این حکم قطعی نه ناشی از بررسی انبوه فاکت ها، بلکه از ارزیابی معین از اوضاع بین المللی و عملکرد دولت آمریکامنتج میشد. ولی شروع جنگ این ارزیابی را نفی نمودو نشان داد که در ذهن طرفداران این نظر سیمای جهان بگونه زیباتر، انسانی تر و دمکراتیک تر از واقعیت آن ترسیم شده و زشتی های آن که حتی در طی دهه اخیر در برخی زمینه ها افزایش یافته، نادیده گرفته شده است و این تصور بوجود آمده است که گویادر مناسبات بین المللی بالکل زبان ”مذاکره“ جایگزین زبان ”زور و تجاوز“ گردیده است. در بحران خلیج آنچه بکار گرفته شد زبان ”زور و تجاوز“ بود نه ”مذاکره“. هم از جانب صدام و هم از جانب آمریکا متحدین او.

این مسائل مارا به نگاه عمیق تر و همه جانبه تر به روند تحولات جهانی و جهات گسترش آن فرا می خواند تا از خوش بینی های بیهوده و بر خوردهای یک جانبه و سطحی احتراز جوئیم و در پی شناخت سمت تحولات آتی جهان و ماهیت و عملکرد نیروهای مختلف آن باشیم. نیروهای چپ ایران با درک این ضرورت، لازمست تلاشهای خود روی این موضوع متمرکز سازند. این مطلب نگاهی است گذرا به بحران خلیج فارس بر بستر تحولات چندسال اخیر.

در دهه های گذشته سمت تحولات جهانی راهمدا تا تضاد بین شرق و غرب رقم می زد. از سال ۱۹۸۵ تحولات همیتی در اتحاد شوروی آغاز شدو منجر بآن گشت که این کشور حق مردم سایر کشورها را در انتخاب راهشان بر سمیت شناخت و تحصیل اراده خود بر دیگر کشورها را رد کردو بر تامین صلح و امنیت بین المللی، ساختن جهان هاری از سلاح هسته ای و هاری از فقر، همکاری این کشورها بر اساس حقوق برابر تاکید ورزیدو این اصول را در مرصه بین المللی با ابتکارات بیسابقه خود بکار بست. امضا قرار دادهای مربوط به سلاح های هسته ای، نابودی موشکهای میان برد، کاهش یک جانبه نیروهای نظامی، خروج از افغانستان، اعتراف به خطا بودن لشکر کشی به چکسلواکی و افغانستان، ترفیق تحولات دمکراتیک در اروپای شرقی و هدم مداخله در امور داخلی آنها، تلاش برای حل مسائل بین المللی از طریق مسالمت آمیز.*

تحولات در اتحاد شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی، فروپاشی پیمان ورشو و پایان یافتن ”جنگ سرد“ زمینه های مساعدی را برای برقراری نظم نوینی در مناسبات بین المللی یعنی نظم مبتنی بر صلح و امنیت همگانی، پذیرش برابری ملل جهان، احترام به استقلال و آزادی ملت ها در انتخاب راه رشدشان، زدودن فقر به مثابه وسیله حل اختلافات در مناسبات بین کشورها بوجود آمد.

سران آمریکا در ابتدا نسبت به تحولات در اتحاد شوروی با دیده شک می نگریدستند. ولی آنها با دوام تحولات در شوروی، فروپاشی پیمان ”ورشو“ و تغییر رژیم های کشورهای اروپای شرقی و بر اثر بحران اقتصادی آمریکا زیر فشار جنبش صلح در جهان به کاهش سلاح های هسته ای، کلاسیکو شیمیائی تن دادندو قراردادهای مهمی در این زمینه با شوروی امضا کردند.

جنگ خلیج فارس به این سؤالات بلحاظ شناخت سمت تحولات جهانی دارای اهمیت زیادی است. بحران خلیج فارس هر صه مناسبی برای محک زدن سیاستهای آمریکا بخشا یافتن جواب سؤالات بالاست.

اشغال کویت توسط رژیم صدام حسین، بدون تردید اقدام تجاوزگرانه و مغایر با حقوق بین المللی بود و به حق این تجاوز در سطح جهان محکوم گردید. ولی این اقدام هیچ حقانیت و مشروعبیت به حمله نظامی آمریکا نمی بخشد. ظاهر قضیه این است که آمریکا و همدمستان وی میخواهند متجاوز را سرچایش به نشانندو به اشغال کویت خاتمه دهند. اگر این هدف تعقیب می شد قاهدتایی بایست فشار سیاسی – دیپلماتیک و تحریم اقتصادی عراق تداوم می یافت تا به نتایج معینی برسدو یازی به جنگ ویرانگر وجود نداشت. ولی واقعیت قضیه چیز دیگری است. آمریکا از ابتدا با لشکر کشی وسیع و تاکید بر اقدام نظامی و سرانجام با یورش همه جانبه نشان داد که قصد او نه تامین حقوق بین المللی، بلکه حفظ منافع آمریکا و متحدین او در خاور میانه است.

برای دفع یک تجاوز، دست یازی به یک تجاوز بزرگتر نمی تواند قابل توجه باشد. قصد آمریکا از این جنگ معلوم است و مردم صلح دوست جهان در شعارشان منعکس می کنند: ”خون برای نفت، نه“ جرج بوش این مسئله را در گزارش به کنگره آمریکا هلنا اعلام کرد: ”قدرت ملی آمریکا هم چنان بر بنیه و تحرک اقتصادیمان تکیه کرده است. برای حفظ موقعیت رهبری جهانی، ما نه تنها دیپلماسی ماهرانه و نیروی نظامی قوی نیاز داریم بلکه به اقتصاد پویا مبنی بر تامین انرژی نیازمند هستیم. ما همین مستمر انرژی برای پیشرفت و امنیت ماحیاتی است.

تمرکز ۶۵٪ ذخایر شناخته شده نفت جهان در خلیج فارس بدین معنی است که باید تضمین کنیم که در آینده هم به مواد نفتی با قیمت رقابت در بازار جهانی دسترسی داشته باشیم. علاوه براین باید بتوانیم که در صورت بروز هر گونه اختلال عمده ای در مرصه نفت در منطقه پاسخی مناسب و سریع داشته باشیم. (روزنامه کیهان – ۲۰ آذر ۱۳۶۹).

این سخنان نشان می دهد که جنگ با عراق برای تامین مستمر مرصه انرژی برای امنیت و پیشرفت آمریکا و متحدین او است.

در دهه های گذشته وجود دو پیمان نظامی ”ناتو“ و ”ورشو“، دو اردوگاه، ”فرب“ و ”شرق“ و وجود توازن نظامی بین آنها محدودیت هایی را بر دو طرف تحمیل می کردو کمک های بلوک شرق به مبارزات رهایی بخش کشورهای جهان سوم توان آنها را در مقابله با تجاوز آمریکا (نومه ویتنام) بالا می بردو مانع بکه تازی این کشور میشد. در سالهای اخیر یک قطب دچار تحولات اساسی گردیدولی در قطب دیگر تحول پایه ای صورت نگرفت. با وجود تقویت نیروهای طرفدار نظم نوین در سطح جهانی، دست آمریکا متحدین او باز گردید. در دوره حکومت ریگان و بوش تحولات مثبت و اساسی در ساختار سیاسی و سیاست های داخلی و خارجی آمریکا صورت نگرفت و موقعیت انحصارهای نظامی – صنعتی در صحنه سیاسی این کشور تقویت گردید.

آمریکا هم چنان خود را ژاندارم بین المللی بحساب میاوردو هر آنجا که ایجاب میکند قوانین بین المللی را بنحو خشن نقض میکند و به قانون جنگل متوسل میشود. جرج بوش در مدت نزدیک به دو سال دوره ریاست جمهوریش، چهار بار به لشکر کشی در خارج از مرزهای کشور خود دست زده است. اهرام حت های جنگی به فیلیپین برای حمایت از خانم آکینودر برابر کودتاگران در دسامبر ۱۹۸۹، اشغال پاناما و دستگیری رئیس دولت آن، پیاده کردن نیروی ویژه زمینی و دریائی در لیبی و بالاخره لشکر کشی عظیم به خلیج فارس و جنگ با عراق.

دولت آمریکا بعداز تحولات اروپای شرقی برای انطباق دادن استراتژی خود به شرایط جدید کمیسونی متشکل از کارشناسان سیاسی و نظامی تشکیل داد. این کمیسوین بر اساس استراتژی درگیری های خفیف تاکید ورزیدو اعلام کرد که

اکثریت

جنگ خلیج باورها را به محک می کشد

آمریکا باید خود را برای وارد شدن در درگیری های جهان سوم آماده تر سازدو برای ابتکار باید قدرت مداخله آمریکا تقویت شود، کمک به دولت های دوست آمریکا در جهان سوم افزایش یابد، از جنبش های ضد کمونیستی در هر کجا که ضرورت دفاع از منافع آمریکا وجود داشته باشد، دفاع شود و سلاحها ی کلاسیک ”ظریف“ و

”شبه هسته ای“ گسترش یابد. این طرح مبنای سیاست دولت جرج بوش قرار گرفت. جرج بوش مشخصا میخواهد بعداز دگرگونی رژیم های کشورهای اروپای شرقی جهان یک قطبی بسرکردگی آمریکا وجود آورد. او در سخنرانی خود در کنگره آمریکا در روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۵ این مسئله را آشکار بیان کرد: ”رویدادهای اخیر ثابت کرده اند که جایگزینی برای رهبری آمریکا (در جهان) وجود ندارد.“ آمریکا نه تنها از تحولات اروپای شرقی برای پی ریزی جهان عادلانه و هاری از زور بهره نمی گیرد، بلکه از وضع جدید بمثابه سکوی پرش برای تثبیت و گسترش سلطه خود بر جهان استفاده میکند. ناظران امور بین المللی پس از تحولات اروپای شرقی، دو آینده را برای نظام بین المللی پیش بینی می کردند. نخست جهانی با یک قدرت که آمریکا در آن حرف آخر را خواهد زد و دوم جهان چند قطبی که آمریکا، اروپا، ژاپن و شوروی بزرگترین قدرتهای موجود در آن بشمار خواهند رفت.

گرچه برخی مطبوعات از ”افول امپراتوری آمریکا“ در پایان این قرن صحبت میکنندولی بوش میخواهد جهان را مطابق منافع و خواستهای خود شکل دهد. بحران خلیج فارس نخستین آزمایشی است برای شکل دادن ساختار بین المللی قدرت در سطح جهان پس از تحولات اروپای شرقی. بحران خلیج فارس تا حدودی مشخص خواهد کرد که قدرتهای تعیین کننده در سطح جهانی کدامندو هر کدام به چه میزان دارای قدرت تاثیر گذاری هستند. در حقیقت آنچه اکنون در خلیج فارس جاری است از یک سو نبرد قدرتی است که رتبه آمریکا و فاصله آن با دیگر کشورهای قدرتمند در مرصه بین المللی به محک می خورد و از سوی دیگر روش خواهد شد که بر اصلی ترین منبع نفتی جهان چه نیروهائی و بچه درجه ای مسائلمستندو آن را تحت کنترل خود دارند.

انچه مسلم است اگر دولت بوش به صدام اجازه میداد که کویت را ببلعد دیگر اعتبار چندانی برای آمریکا در منطقه خاور میانه نمی ماندو کشورهای دیگر نظیر عربستان اعتماد خود را نسبت به آمریکا از دست میدادندو عنوان تنها ابر قدرت جهان و یا بزرگترین قدرت جهانی به تاریخ سپرده میشدو تسلط بر شریان نفتی خلیج فارس دست دیگران می افتاد.

بحران اقتصادی به آمریکا اجازه نمیدهد که دست تنها وارد عمل شود. هنری کسینجر در سال ۱۹۸۸ گفت: ”علیرقم قدرت نظامی مان، توانائی ما برای اینکه جهان را به تنهائی شکل دهیم، محدود تر میشود. ما امکانات مالی لازم را برای اینکه به تنهائی در سطح بین المللی رفتاری مشابه دوره بلافاصله پس از جنگ را داشته باشیم، نداریم“. بهمین خاطر دولت آمریکا سعی میکند پای متحدین خود را بمیان بکشد منتجا با حفظ سرکردگی خود.

جنبه دیگر مسئله، وضع کشورهای ”جنوب“ است. در تحولات جهانی وضع کشورهای ”جنوب“ تغییر نیافته و مناسبات بین ”شمال و جنوب“ بر همان روال سابق است. اگر در گذشته تضاد بین ”شرق“ و ”غرب“ روندهای جهانی را رقم می زد، اکنون تضاد ”شمال“ و ”جنوب“ در تحولات جهانی نقش جدی بازی می کند. آمریکا که تحولات اروپای شرقی و پایان یافتن ”جنگ سرد“ را پیروزی خودو متحدانش بحساب میاورد، این بار استراتژی خود را بر پایه درگیری های ”شمال“ و ”جنوب“ قرار داده و استراتژی ”درگیری خفیف“ را در مقابل ”تهدید“ جنوب تدوین کرده است. بنظر سران آمریکا دیگر ”شرق“ نیست که جهان را تهدید میکند بلکه این ”جنوب“ است که امنیت بین المللی را بهم زده و سرکردگی آمریکا را زیر سؤال می برد. جهان ما نمی تواند بر مبنای نظم نوین پی ریزی شود در حالیکه تضاد ”شمال“ و ”جنوب“ هم چنان حیات داشته باشد. این تضاد انفجار آمیز است. وضع موجود کشورهای ”جنوب“ نمی تواند مدتها دوام

داشته باشد. خواه ناخواه این تضاد حدت خواهد یافت و جهان را به درگیری و مخاصمات شدید خواهد کشاند. مسائل ”جنوب“ به تنهائی در خود این کشورها قابل حل نیست. گرچه تحولات پایه ای در این کشورها برای قلبه بر موانع رشد لازم است. ولی مسائل ”جنوب“ خصلت بین المللی پیدا کرده است. مسائل ”شمال“ و ”جنوب“ در هم تنیده شده اند. تحولات در ”جنوب“ کافی نیست، ”شمال“ هم باید دگرگون شود و از سلطه جوئی و بهره کشی دست بردار دو به یاری ”جنوب“ برای غلبه بر عقب ماندگی بشتابد.

جهان با وجود دو قطب نتوانست به امنیت و صلح پایدار دست یابد. طبعاً بر مبنای یک قطبی بودن بسرکردگی آمریکا و باوجود تضاد بین ”شمال“ و ”جنوب“ هم روی آرامش نخواهد دید. سلطه طلبی آمریکا بحران زاست و برضد امنیت و صلح بین المللی است.

نظم نوین تنها بر پایه پذیرش برابری حقوق ملت هانه سلطه این یا آن کشور امکان پذیر است. علاوه در جهان غیر عادلانه نمی توان امنیت و صلح را تامین کرد. صلح و امنیت بین المللی قابل تجزیه نیست. با وجود رفاه و پیشرفت در ”شمال“ و فقر و عقب ماندگی ”در جنوب“ نمی توان به ثبات بین المللی امیدوار بود. وضع ”جنوب“ و مناسبات ”شمال“ و ”جنوب“ منشا بحران و انفجار است. جلو انفجار ”جنوب“ را نمیتوان با استراتژی ”درگیری خفیف“ گرفت.

در سالهای اخیر روندهای مثبت و امید بخش در سطح جهان شکل گرفته است: کاهش سلاح های هسته ای، کلاسیکو شیمیائی، تحولات دمکراتیک در اروپای شرقی، خروج نیروهای شوروی از افغانستان، گسترش تلاشها برای مهار ”درگیری های منطقه ای“ ولی همانگونه که گفته شد در بخش بزرگی از جهان هنوز فقر و فلاکت حکمفرمائی میکند. سیاست های تجاوزگرانه و فارت گرانه آمریکا و متحدین او ادامه دارد. اسرائیل هم چنان با حمایت قرب با زور و قلدری مناطق اشغالی را حفظ کرده و بوجه خشنی جنبش مردم فلسطین را بخون میکشد.

خطا خواهد بود که فقط روندهای مثبت را ببینیم و روندهای منفی را کم اهمیت و کم رنگ جلوه دهیم. تا دست یابی به نظم نوین جهانی راه طولانی و دشواری را در پیش داریم. هنوز نیروهای طرفدار نظم نوین از آنچنان توان برخوردار نیستند که مبنای عادلانه و هاری از زور را برپا دارندو به سیاست تجاوز و فارت لگام زنند. خام اندیشی و خوش بینی غیر واقعی ما را به کجراه خواهد برد.

امروز بیکار علیه سیاستهای سلطه طلبانه و تجاوزکارانه، شکل دهی جهان تک قطبی بسرکردگی آمریکا و مبارزه علیه فارت جهان سوم در مقابل تمام نیروهای ترقی خواه قرار دارد. ”جهان سومی“ و ”چپ“ بودن ما، وظیفه امان را سنگین تر کرده است. متاسفانه در سالهای اخیر مبارزه علیه سیادت آمریکا و سیاست های تجاوزگرانه و فارت گرانه آن در جنبش چپ ایران کم رنگ تر شده و در مواردی رنگ باخته است.

برخی براین پندارند که طرح مبارزه علیه سیاست های تجاوزکارانه و سلطه طلبانه آمریکا و متحدین وی، بازگشت به دگم های قبلی و همان تفکرات کهنه است. باید گفت که ندیدن روندهای واقعی در سطح جهان، پر بها دادن به تحولات اخیر نشاندن اهداف و آرمانها بجای واقعیات تلخ کنونی، چشم پوشیدن بر نیات و ماهیت دولت آمریکا، مغایرت تمام با روند نوسازی و نواندیشی داردو نیروهای چپ و مترقی را بخواب خرگوشی فروبرده و میدان را برای یک تازی ”بنیادگرایان اسلامی“ که پرچم مبارزه علیه سلطه طلبی آمریکا را برافراشته اند، میدهد. جنگ خلیج فارس فرصت مساعدی را برای ”بزیبئی و به محک زدن اندیشه هاو باورهای نیروهای چپ و شناخت سمت تحولات در جهان و منطقه بوجود آورده است.

*در همین حال از جانب اتحاد شوروی در مواردی سیاست هایی آغاز می شود که مغایر با تفکر نوین سیاسی است. رای مثبت به قطعنامه شورای امنیت در مورد توسل به زور در بحران خلیج فارس، فروش سلاحهای مدرن و پیشرفته به جمهوری اسلامی از آن جمله هستند.

^[1] جنگ خلیج فارس یا شدت تمام ادامه دارد، نبروهایی نظامی آمریکا و متحدین او تحت عنوان

مسئله فدرالیسم

ماشاالله رزمی

که فدرالیسم را از تحلیل اقتصادی - اجتماعی جامع بشری استنتاج کرده است. پروودون که خود در جنگهای داخلی آمریکا شرکت کرده و همکار دولت فدرال شمال آمریکا از نزدیک دیده بود و نیز بادرک جدیدی که از مالکیت ابزار تولید و اجتماعی شدن تولید ارائه می داد بزرگترین فدرالیست زمان خود و برجسته ترین نظریه پرداز ساختمان فدرالیستی قدرت است

برای شناخت فدرالیسم پروودونی باید به درک پروودونی تاریخ اشاره کرد. پروودون فکر می کرد که انقلابات در تاریخ تناوبی هستند و هر انقلابی یک پیشرفت در تاریخ به شمار می رود لذا پروودون باید انقلابی مدل فدرالیسم را برای ساختمان جامعه بشری پیشنهاد می کرد.

فدرالیست های بزرگ قرن نوزدهم مانند پروودون، فرونتس و کاتانو پیش بینی می کردند که به زودی دوران دولت های ملی به پایان خواهد رسید و دولت فدرال جهانی که رومی مناسب تولید انبوه و جهانی است جانشین دولت های ملی متخاصم خواهد شد و بر اساس چنین درکی از فدرالیسم بود که فدرالیست های اوایل قرن بیستم فکر می کردند با آغاز جنگ جهانی اول لحظه تاریخی پایان کار دولت های ملی فرار سیده است.

در آغاز جنگ جهانی اول تروتسکی در جزوه "جنگ و انترناسیونال" نوشت:

"هسته مرکزی جنگ فعلی، ضربهای است که نیروهای مولده در نظام سرمایه داری به دولت ملی وارد می کنند یعنی به دولتی که استثمار را ممکن می سازد، دولت های ملی غیر قابل تحمل شده اند و به سان ترمز در مقابل رشد نیروهای مولده عمل می کنند. جنگ ۱۹۱۴ قبل از همه بیانگر فروریزی دولت های ملی و همزمان با آن پایان یافتن فضای خودمختاری اقتصادی است..."

به نظر تروتسکی اساس بحران دولت های واحد ملی در سیستم اروپایی ساختمان قدرت نهفته است این نوع سازماندهی قدرت مانع رشد نیروهای مولده در سطح وسیع است و به همین جهت آلمان برای پیدا کردن "فضای حیاتی" جنگ را شروع کرده است.

راه پایان دادن به بحران دولت های ملی در اروپا که در ضمن بحران های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی نیز هستند تغییر شکل ساختمان قدرت و سازماندهی قدرت نوین در مقیاس تازه ای است. بدین جهت پروولتاریا نباید از دولت های ملی متجاوز حمایت بکند بلکه باید بلوک قدرتمند و یک پارچه ای از جمهوریخواهان متحد اروپایی برای تاسیس دولت متحد جهانی بوجود آورد.

شایان ذکر است که در اساس تئوری فدرالیسم رد ضرورت و علت وجودی دولت ملی نهفته است که از طریق ایجاد دولت جهانی متحقق میگردد. به همین جهت سوسیالیست ها نوهی انترناسیونالیسم را از آن برداشت میکنند و لیبرال ها نوهی کوسموپولیتریزم را از فدرالیسم استنباط می کنند. این استنباطها در زمان خود واقعی بودند و حتی باید توجه داشته باشیم که در بحران جهانی سال های ۱۹۲۹ به طور یقین گفته می شد که سرمایه داری نمی تواند در یک کشور واحد به حیات خود ادامه بدهد و سوسیالیسم هم اگر می خواهد موفق بشود باید هر چه بیشتر رشد نیروهای مولده را تسریع نماید.

همه فدرالیست های نامدار دولت فدرال را در مقابل دولت ملی یک پارچه عنوان کرده اند و کم و بیش جنگ های منطقه ای و جهانی را نیز ناشی از ساختار دولت های ملی می دانستند. به زبان دیگر دولت فدرال نفی کننده دولت ملی است. می توان گفت که فدرالیسم زمانی راه حلی بود برای مسائل منطقه ای و جهانی و نه البته برای حل مسائل ملی و قومی داخلی یک کشور واحد، به همین جهت فدرالیسم معاصر اغلب توسط طرفداران وحدت اروپا رواج پیدا کرده است.

البته بحث فدرالیسم در دوران انقلاب کبیر فرانسه نیز بین ژیرودن ها و ژاکوبین ها وجود داشت ولی ژاکوبین ها با این استدلال که سوسیالیسم و اتریشی ها با فدرالیسم خویشخت نشده اند از تبدیل شدن فرانسه به یک فدراسیون جلوگیری کردند. اگر مورد آمریکا را استثناء نکنیم تا مدت های مدید فدرالیسم فقط یک آرمان بود و تنها در ذهن فدرالیست ها وجود داشت و دولت های فدرال قدیمی (متعلق به قرن نوزدهم و هیجدهم) موفقیت خاصی نداشتند تا اینکه در اثنا جنگ جهانی جنبش های ضدفاشیستی باهمدیگر رابطه کمک و همکاری برقرار کردند و به این ترتیب جنبش های فدرالیست در آلمان، ایتالیا و فرانسه متولد شدند و از این تاریخ به

امروزه نه تنها برای ما ایرانی ها بلکه در سطح بین المللی نیز برای کسی تعریف فدرالیسم آسان نیست. با وجود رشد علوم سیاسی تاکنون نه لیبرالیسم، نه دموکراتیزم، نه سوسیالیسم و نه هیچ جنبش سیاسی دیگر نتوانسته اند تعریف جامعی از فدرالیسم ارائه بدهند. اصولا فدرالیسم را نباید به هیچ یک از مکتب های شناخته شده منسوب کرد، واقعیت های موجود بیانگر آنند که فدرالیسم فقط تیپ خاصی از دولت نیست و اگر همه جانبه تر بنگریم در می یابیم که فدرالیسم نوعی طرز تفکر اجتماعی با معیار ارزشی خاص خویش است و دارای چارچوبه و تاریخ مخصوص به خود می باشد.

ارزشی که از ابتدا برای فدرالیسم قائل شده اند همانا صلح است. جمهوری دولت ها (جمهوری فدرال) صلح و دموکراسی را تا سطح حقوق شهروندان و جامعه ارتقا می دهد و برای شهر و ندان حق شرکت در تمام تصمیم گیری هایی را که مستقیما مورد توجه شان است قائل می شود و آنها را مختار می کند به اینکه در چه سرزمینی می خواهند با هم زندگی کنند.

ایده فدرالیستی تقسیم قدرت، اصل ایده صلح را منحرف و تضعیف می کند زیرا صلح در فدرالیسم چیزی جز متارکه و صلح مسلح نیست در حالیکه تجربیات تاریخی نشان می دهد که تمام جوامع بشری قادر به تشخیص و انتخاب صلح واقعی هستند.

در اینجا اگر بخواهیم دولت فدرال را با صلح طلبی اش تعریف کنیم، یعنی تئوری دولت را فقط به این جنبه اش محدود کنیم در عمل مانع درک مناسب این تیپ دولت می شویم. فعلا ما چیز اندکی در مورد دولت فدرال و مکانیزم آن می دانیم و تقریبا چیز زیادی در مورد جامعه ای که این دولت در آن مستقر می شود و می تواند بسیار مقاوم و تغییر شکل ناپذیر باشد نمی دانیم. در واقع کافی نیست با ساده کردن مسئله و آسان گرفتن آن، خود را از قید مسائل و مشکلات جامعه فدرال خلاص بکنیم. مضاف بر اینکه حوزه اظهار نظر دقیق و کافی درباره فدرالیسم نامحدود است و بسیار مشکل است شناخت کاملاً روشنی از دولت فدرال داشته باشیم.

برای شناختن این نوع سازماندهی قدرت و درکی که فدرالیست ها از دولت دارند و تفاوت تاریخی که این واژه با خود حمل می کند ضروری است که تئوری و تاریخ فدرالیسم جز به جز بررسی شوند.

فدرالیسم به عنوان دولت و حکومت چگونه در تاریخ بوجود آمده است؟

برای اولین بار بر اساس یک اتفاق ساده تاریخی که منجر به تشکیل اولین دولت فدرال تاریخ در شمال آمریکا گردید (اتحاد سیزده مستعمره انگلیس در آمریکای شمالی بر اساس قرارداد فیلادلفیا)، کانت (۱۸۵۴ - ۱۷۲۴) به تجزیه و تحلیل این تجربه تاریخی پرداخت. کانت به این امر فکر می کرد که فدرالیسم در تحلیل نهایی در خدمت چه چیزی قرار خواهد گرفت و بعد از کنکاش و بررسی مسائل مختلف به این نتیجه رسید که فدرالیسم به ساختمان صلح خدمت خواهد کرد. از نظر کانت صلح حاصل از فدرالیسم نوعی ترک مخاصمه و نتیجتا صلح مسلح است و همواره باید برای هر تهاجمی آماده بود. نباید فراموش کرد که کانت از مکانیسم حکومت فدرال اطلاعاتی نداشت بدین جهت در سال ۱۷۹۵ وقتی کتاب "به سوی صلح جاودانی" توسط کوبننسرگ انتشار یافت، دوران سیاست کانتی فدرالیسم به پایان رسید. بدین ترتیب گرچه تئوری فدرالیسم از جمع بست تجربه اتحاد داوطلبانه سیزده مستعمره کوچک در شمال آمریکا بوجود آمده اما مدل فدرالیسم اتازونی (اتازونی در زبان فرانسه به معنی دولت های متحده است و نه ایالات متحده که در زبان فارسی متداول کرده اند) مدل خوبی نیست زیرا این دولت فدرال در واقع در حاشیه تاریخ متولد شده است و برای تشکیل آن موانع تاریخی، سیاسی و روانشناختی جدی وجود نداشته است. نه میراث های تاریخی هویت مستقلی به یکایک آن دولت های کوچک می بخشید و نه خصومت های تاریخی مانع یگانگی آنها می شد و فرهنگ و سنت های ریشه دار نیز وجود نداشت تا مشکل معنوی ایجاد کند به همین جهت نیست که این دولت زبان رسمی برای آن انتخاب نمی کند و پست و وزارت فرهنگ نیز در آن وجود ندارد.

بعد از کانت نظریه پردازان مختلفی به تئوریزه کردن فدرالیسم ادامه دادند اما هیچیک از آنها به اندازه پروودون (۱۸۶۵ - ۱۸۵۹) از سوسیالیست های معروف قرن نوزدهم شهرت و اعتبار پیدا نکرده اند. وی اولین کسی است

بعد ایده "فدرالیسم اروپایی" و اروپای متحد توسط نهضت های فدرالیست تقویت شد و گام های عملی چندی در این راه برداشته شد. بعد از پیدایش دولت های فدرال جدید زمان کافی مورد نیاز بود تا نتیجه عملکرد همه جانبه این نوع ساختمان قدرت معلوم گردد و اکنون مدتی است که نقطه قوت و ضعف این دولت ها شناخته شده اند و در این رابطه با توجه به مشکلات حقوقی و اجرایی در دولت های فدرال تزه های جدیدی درباره "نئوفدرالیسم" و "فدرالیسم تری یالیست" ارائه می گردد. تئوری های جدید نیز نتوانسته اند مشکلات دولت های فدرال را حل کنند به عنوان مثال از دولت کانادا به مثابه مدرنترین دولت فدرال و موفق ترین آنها در تمام مرصه ها نام برده می شود اما فدرالیسم کانادایی نیز نتوانسته است مسئله ایالت فرانسوی نشین کبک و مشکلات سایر اقلیت ای قومی را حل بکند.

پیدایش نهادهای بین المللی و قدرت های ماورا دولت ها تقریبا کلیه ایده های فدرالیسم اولیه در نظر داشت به اشکال جدید متحقق کرده است. فعالیت سازمان ملل متحد با ارگان های تابعه اش که مانند یک دولت جهانی عمل میکند، حضور سیاسی پارلمان اروپا در تحولات جهانی، همکاری ارگانیک کشورهای بزرگ صنعتی، بلوک بندیهای سیاسی و همکاریهای بزرگ بین المللی و منطقه ای همه و همه نشان میدهد که وحدت بین الملل و استقرار صلح در جهان نه از طریق فدرالیسم بلکه در مقیاسی فراتر از آن و از بالای سر آن به اشکال پیچیده و نوین در حال عملی شدن است. جهانی شدن تولید کالا و انقلاب علمی و صنعتی و نیز از بین رفتن فاصله ها به خاطر رشد وسایل ارتباطی، تئوری فدرالیسم را به مانند اغلب تئوری های قرن نوزدهم بی اعتبار می سازد و امروز می بینیم که در سیستم های فدرال صحبت از بحران فدرالیسم است. استکان ریال در کتاب "سر نوشت فدرالیسم" آورده فدرالیسم را این چنین مورد سؤال قرار می دهد:

"حتی اگر موانع روانشناختی و سیاسی را در نظر نگیریم - آیا می توانیم تصور بکنیم که اگر فدرالیسم چهار چوبه خود را شکند و بسوی کنفدرالیسم پیش نرود، از خود این تمایل را نشان می دهد که دیر یا زود از محتوی تهی خواهد شد؟"

او جواب میدهد "آری" و برای ساختن هر مدلی از فدرالیسم مشکلات متعددی وجود دارد که بر احتی حل نمی شود از جمله مشکلات عبارتند از:

خود سازماندهی آزاد، تعیین استعداد های اقتصادی و تجدید تقسیم آنها، تفکر مشترک در پذیرش حقوق فدرال که حقوق دولت های عضو فدراسیون را می شکند، تجدید نظر در مکانیسم تضمین خودمختاری دولت های عضو، فکر کردن درباره نظم جدید کمپلکس فدرال، پذیرفتن اشتراک در تمام مقیاس ها، تجدید تقسیم قدرت ملی، تضمین کاراکتر خالص پیمان تعاون و مسائل حقوقی مشابه که برای ساختار قدرت به صورت فدرال ضروری هستند.

خرده کاری و بوروکراتیسمی که دولت فدرال آلمان با آن مواجه است با سیاست گزارانی نوین در تضاد می باشد. اولین مشکل در جامعه فدرال تضاد است که بین دولت فدرال و دولت های عضو فدراسیون وجود دارد، دولت های عضو تمایل به حفظ استقلال و خودمختاری دارند ولی دولت فدرال مجبور است در مناسبات جهانی از طرف تمام اعضا تصمیم بگیرد. به این ترتیب دولت فدرال به ناچار در عمل حقوق دولت های عضو را زیر پای می گذارد و در عوض این دولت ها به استناد قوانین خودشان تصمیمات دولت فدرال را خنثی می کنند. برای کاهش این ناهماهنگی ها و برای اینکه حدود اختیارات سوپر قدرت با هر یک از قدرتها مشخص گردد قوانین بشماره ضروری است. و تناقض در این قوانین اجتناب ناپذیر است. منطقی چون هیچ دولتی آن هم از نوع فدرال نمی تواند بدون قانون عمل بکند ناچاراً باید قوانین را در مرصه های مختلف تفکیک نماید از این رو در دولت های فدرال پیشرفته سه نوع قانون اساسی تدوین و اجرا می شود. اول یک قانون اساسی که حقوق پایه ای را مشخص میکند و الزاماً باید مجرد و عام باشد.

دوم قانون اساسی توافق شده و قابل اجرا در سراسر

فدراسیون و سوم قانون اساسی هر یک از دولت های عضو که متناسب با تاریخ و فرهنگ و مقتضیات هر یک از آنها تنظیم می شود. این نوع فدرالیسم با فدرالیسم سه قانونی آخرین راه حل برای کاستن از تناقضات حقوقی جوامع فدرال بوجود آمده است. اکنون جامعه شناس ها، حقوق دانها و سیاستمداران که برداشت هر کدامشان از جامعه فدرال متفاوت است برای راه یابی خروج از بن بست هایی که سیستم های فدرال بوجود آورده اند تلاش می کنند، مشکلاتی که ظاهراً در چهار چوب فدرال قابل حل نیستند.

مثلاً مشکل دفاع یکی از این بن بست ها است. دولت فدرال باید خدمت نظام و وظیفه اجباری را تقو کند و معادله هر شهروند یک سرباز است را کنار بگذارد. آنگاه چگونه از خود دفاع خواهد کرد در صورتیکه سایر قدرت ها با تمام تجهیزات نظامی شان چشم به ثروت و موقعیت آن دوخته اند؟ حق قانونگذاری دولت های عضو نیز مشکل دیگر جوامع فدرال است هر یک از این دولت ها می تواند قانون تصویب کند و از فدراسیون جدا بشود در این موقع اگر موقعیت ژئوپلیتیکی و منابع طبیعی آن مهم باشد نظم فدراسیون را به هم می زند و منافع سایر دولت ها را پایمال می کند و مشکلاتی ایجاد می کند که با آرمان فدرالیسم در تقابل قرار دارد.

فدرالیست ها برای حل مسائلی از این نوع توصیه های خوب با مثال های بد ارائه می دهند. مخصوصاً باید توجه داشت که در ساختمان فدرالیسم مدل کارایی ندارد، هر جامعه فدرال باید با ویژه گیهای خاص خود شکل بگیرد، اگر به مقایسه متوسل بشویم با چشم گذشته به حال نگاه کرده ایم آنگاه نتیجه نه تنها مجرد بلکه کاملاً دلخواه خواهد بود. تجربیات سوئیس، آلمان و اسپانیا نشان میدهند که فدرالیسم آنچه را که در تئوری قبول ندارد در عمل مجبور به انجام آن است. نتایج این نغی تئوری در عمل بلافاصله در مرصه های فرهنگی میان می شود و مشکل بوجود می آورد که انرژی زیادی برای توجیه آن باید صرف شود بدون تردید قبل از ایجاد دولت فدرال در هر جامعه مشخص باید فرهنگ فدرالی در آن جامعه وجود داشته باشد. باید دو کلو در کتاب "فدرالیست بودن" این موضوع را کاملاً توضیح می دهد تا آنجا که به نظر دو کلو که خود فدرالیست فعالی است، فرهنگ فدرالی مقدم بر تمام ویژه گیهایی است که هر دولت فدرال باید داشته باشد. نکته دیگری که قابل تاکید است رابطه تمرکز و توسعه در دوران ما است. در قرون گذشته تمرکز قدرت دولتی اجتناب ناپذیر بوده است زیرا امکانات لازم برای ایجاد تمرکز که پیش شرط پیشرفت هر جامعه توسعه نیافته است وجود نداشته است. اخبار ولایات ماه ها طول می کشید تا به مرکز برسد و بالعکس. اما در دوران ما با ارتباطات ماهواره ای با وسایل نقلیه مافوق صوت و با وجود آمدن زبان های بین المللی امکانات تمرکز و در نتیجه پیشرفت فراهم شده است. بدون تمرکز، ترقی در مقیاس وسیع امکان پذیر نیست و اگر خوب دقت بکنیم می بینیم که فدرالیسم در ابتدا تلاشی بوده است برای ایجاد تمرکز از قدرت های پراکنده وضعی و نه برعکس آن، که امروز بعضی ها از فدرالیسم می خواهند. ارزش هائیکه برای فدرالیسم در نظر گرفته می شود از قبیل صلح، یگانگی و همزیستی همگی مجرد و ایده آل فرض می شوند. هر گاه بخوایم از فدرالیسم مجرد به مرصه فدرالیسم مشخص قدم بگذاریم و دولت های فدرال موجود را بررسی کنیم آنگاه متوجه محتوای سیاسی و عقیدتی هر یک از این اقلیت های فدرال می شویم و می بینیم که به اندازه تعداد دولت های فدرال موجود در جهان، انواع فدرالیسم وجود دارد.

فدرالیسم در یوگسلاوی با فدرالیسم در اسپانیا و آمریکا فقط نام مشترک دارند با محتوای کاملاً متفاوت و حتی گاهی متضاد. مثلاً رابطه حکومت مرکزی با هر یک از دولت های فدرال در اسپانیا کاملاً متفاوت و خاص است. شناخت ویژه گیها و تفاوت های هر یک از این نظام ها یک امر کارشناسی و در همین حال سیاسی است. مطالعه ویژه گی های آنها و انواع فدرالیسم و پارادوکسی که در فدرالیسم وجود دارد و هر فدرالیستی را دچار دوگانگی می کند برای ما ضروری است.

مردم مصر و سیاست های مبارک در رابطه با جنگ خلیج

سربازان مصری از هرستان هستند اما حزب سوسیالیست "تجمع" این خواست را ندارد و بیانیه دولت مبنی بر اینکه سربازان مصری تنها از هرستان دفاع خواهند کرد را کافی می دانند.

بقیه از ضمه ۱ است که خود را ساورد عمل خود به رغم اختلاف نظر در میان نیروهای اپوزیسیون بر سر نقش نیروهای مصری در جنگ همه آنها مخالفت خود را با تهاجم به عراق ابراز داشته و در صددند که با اتحادیه عرب در راه دستیابی به صلح و آتش بس همکاری کنند. اسلامی" و "ناصریستها" خواهان بازگشت

است که خود را ساورد عمل خود به رغم اختلاف نظر در میان نیروهای اپوزیسیون بر سر نقش نیروهای مصری در جنگ همه آنها مخالفت خود را با تهاجم به عراق ابراز داشته و در صددند که با اتحادیه عرب در راه دستیابی به صلح و آتش بس همکاری کنند. اسلامی" و "ناصریستها" خواهان بازگشت

مذاکرات شورای امنیت در پشت درهای بسته

برای چهارمین بار در تاریخ شورای امنیت، این نهاد سازمان ملل هفته گذشته در ارتباط با جنگ خلیج فارس اجلاس غیر علنی تشکیل داد. غیر علنی بودن این اجلاس به ویژه تحت فشار آمریکا و متحدانش است که نگران اظهارات نمایندگان کشورهای عضو شورا در انتقاد از سیاست جنگی ایالات متحده اند.

شست شورای امنیت چهارشنبه گذشته آغاز شد، در هنگام تنظیم این خبر ادامه داشت. انتظار می رود این شورا به بررسی موضعگیری جدید عراق و نیز نتایج گفتگوهای طارق عزیز وزیر خارجه عراق در مسکو که روز یکشنبه ۲۸ بهمن آغاز می شود، بپردازد.

هم اکنون مسکو مرکز فعالیت های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ خلیج فارس است. هفته گذشته رولان دو ما وزیر خارجه فرانسه، شیخ صباح الامجد جابر الصباح وزیر خارجه کویت و ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی به مسکو رفته با میخائیل گارباچف و بسمر تینخ وزیر خارجه شوروی مذاکره کردند. وزیر خارجه کویت پس از ملاقات با گارباچف گفت: تا جایی که من از گفته های رهبری شوروی برداشت کردم، فرستاده شوروی به بغداد نشانه هائی از انعطاف در موضع رژیم عراق دیده است. اشاره وزیر خارجه کویت به سفر یو. گنی پریماکف فرستاده شوروی به عراق بود. وزیر خارجه کویت گفت از مذاکرات با رهبران شوروی دریافته است که مسکو کماکان بطور کامل پشتیبان قطعنامه های شورای امنیت است که در آن بر ضرورت عقب نشینی عراق از کویت تاکید شده است. در همین حال یوگنی پریماکف در پاسخ به سؤال یک خبرنگار که از او پرسید آیا عراق حاضر به عقب نشینی بی قید و شرط از کویت هست یا نه، گفت: صدام حسین را در برابر انتخاب میان تسلیم بی قید و شرط یا جنگ قرار ندهید. من ۲۲ سال است که او را می شناسم و می دانم که او در این صورت جنگ را انتخاب خواهد کرد.

اعتصابات کارگری در لهستان

سازمان عضو اتحادیه "همبستگی" نیز به این اعتصاب پیوسته اند اما رهبری اتحادیه همبستگی با این اعتصاب مخالفت کرده است. در روز پنجشنبه ۱۴ فوریه، حدود هزار کارگر معدن وارد محوطه کاخ ریاست جمهوری

دو رای مخالف و ۴ رای ممتنع تصمصم گرفت اجلاس غیر علنی برگزار کند. یمن و کوبا به این تصمصم رای مخالف دادند. چین، هند، اکوادور و زیمبابوه ممتنع بودند. اجلاس غیر علنی شورای امنیت بدین معناست که این نشست بدون حضور خبرنگاران و ناظران برگزار می شود و بعدا صورت جلسه آن کتبا انتشار می یابد.

لهستان شدند. لخ والسا رئیس جمهور لهستان ناچار به ملاقات با یک هیات نمایندگی کارگران شد که یک نامه به او دادند. دولت لهستان در صدد خصوصی کردن معادن ذغال سنگ لهستان است. در این صورت هزاران کارگری بیکار خواهند شد.

جنگ خلیج فارس و رویاهای رهبران ترکیه

حاکم ترکیه اشاره چندانی نکرد و فقط گفت: "هواپیماهای آمریکائی برای تمرینات همدی روزانه پرواز می کنند، ولی از اینکه آنها عراق را هم بمباران میکنند، من بی خبرم". به نظر اوزال حمله متقابل عراق تقریباً منتفی است زیرا به گفته خودش تصمیمات وی مثل همیشه اندیشیده و سنجیده اند و اگر حمله ای هم صورت گیرد، ناتو به دفاع می پردازد. عضو خود (ترکیه) خواهد آمد. اوزال در باره ناتو گفت: "اتحاد ما (پیمان ناتو) کمونیسم را نابود کرد و عراق که در قریب س بااروپای شرقی قدرتی بحساب نمی آید". اما اوزال ناگهان به خشم آمد: "مرا متهم می کنند که سیاست فردی و خودسرانه ای را دنبال می کنم. ولی واقعیت آن است که من موافق اعزام سربازان ترکیه به جنگ بودم، زیرا از یکسو ۴۰۰ سال بر این منطقه حکومت داشته ایم (اشاره اوزال به دوران امپراطوری عثمانی است) و از سوی دیگر سربازان ما امکان می یابند که با شرکت در جنگ خود را آزموده و تجربه کسب کنند. اینکه ۷۴٪ مردم ترکیه مخالف شرکت نیروهای این کشور در جنگ هستند، اینکه همه نیروهای اپوزیسیون به استفاده آمریکا از پایگاههای ترکیه رای منفی داده اند و اینکه بسیاری از رهبران ارتش نیز مخالف ماجراجویی ترکیه در جنگ خلیج فارس می باشند همه و همه واقعیتها هستند که اوزال ظاهراً به هنگام نطق تلویزیونی اش از یاد برده بود. مشکل آنجاست که دولتمداران ترکیه دموکراسی را بد می فهمند. آنها خیال می کنند، چون انتخاب شده اند کاری که خواستند، می توانند انجام دهند. بر بستر چنین درکی است که تورگوت اوزال تصمیمات خودسرانه و توسعه طلبانه خود را با اتکا به آرا اکثریت پارلمان حزب خود در مجلس ترکیه توجیه

رسمهائون می شود که ترکیه تنها در صورتی که مورد حمله شد، ولی در عمل ترکیه مستقیماً در جنگ شرکت دارد، زیرا از پایگاه هوائی آمریکا در جنوب شرقی این کشور روزانه چندین هواپیمای جنگی به پرواز در می آیند تا نقاط استراتژیک شمال عراق را مورد بمباران قرار دهند، قرار داشت اگر عراق مقابله به مثل کند، ناتو بی درنگ به نفع ترکیه وارد عمل شود.

انتشار خبر پرواز هواپیماهای مهاجم آمریکائی از پایگاه اینجریلیک در جنوب شرقی ترکیه، در میان مردم این کشور موجی از بیم و هراس برانگیخته است. آنها نگران حمله متقابل عراق هستند. یک سوم خاک ترکیه در تیررس موشکهای عراقی قرار دارد و اگر موشکهای عراقی به سوی ترکیه تشکیل شوند، بخش بزرگی از جمعیت ترکیه از خطر آن در امان نخواهند بود. از همین رو ماسکهای ضد گاز در بازار سیاه بھائی گزاف یافته اند و موجودی ماده (تروپین) یادزهر گاز اعتصاب) در بسیاری از شهرها تماماً به فروش رفته است. پس از انتشار خبر پرواز هواپیماهای آمریکائی از خاک ترکیه، تورگوت اوزال، رئیس جمهور این کشور، در جریان یک نطق تلویزیونی در صدد برآمد که مواضع ترکیه در قبال جنگ خلیج فارس را برای مردم توجیه کند. اما وی به جریان استفاده هواپیماهای مهاجم آمریکائی از

یوگسلاوی در آستانه فروپاشی؟

کرواسی است که می خواهند یوگسلاوی را نابود کنند" صربستان اعلام کرده است که رهبران جمهوری هاین اختیار را ندارند که درباره تجزیه یوگسلاوی تصمیم بگیرند بوریساو یوویچ رئیس جمهور یوگسلاوی طی سخنانی در اجلاس سران جمهوری ها گفت حتی رهبران سیاسی انتخاب شده از طریق دمکراتیک نمی توانند در باره موضوعی که صرفاً باید با رای مردم روشن شود، تصمیم بگیرند. وی افزود حتی یک همه پرسی نیز نمی تواند مبنای جدائی

اجلاس رهبران جمهوری های یوگسلاوی برای حل و فصل اختلافات این جمهوری ها هفته گذشته بدون رسیدن به نتیجه به پایان رسید. دولت صربستان بزرگترین جمهوری یوگسلاوی، بدنبال این اجلاس نافرجام خواهان استعفاى دولت مرکزی یوگسلاوی شد و این استعفای آنها راه نجات یوگسلاوی دانست. روزنامه "پولیتیکا" اکسپرس "که طرفدار سلو بودان میلوسویچ رئیس جمهور صربستان است، نوشت آنته مارکوویچ نخست وزیر یوگسلاوی متحد جمهوری های اسلوانی و

بخشی از یوگسلاوی از این کشور باشد زیرا در همه مناطق یوگسلاوی ملت های مختلف زندگی می کنند که همه باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشند. در حالی که در جمهوری های شرقی یوگسلاوی مانند صربستان و موتنگرو احزاب سوسیالیست حکومت می کنند، جمهوری های غربی یعنی اسلوانی و کرواسی، تحت حکومت نیروهای سیاسی ناسیونالیست و راستگرا قرار دارند. در صربستان تمایل به حفظ دولت کثیر الملله یوگسلاوی بیش از سایر جمهوری هاست

مردم مصر و سیاست هائی مبارک در رابطه با جنگ خلیج فارس

سد اسوان را بمباران کند. سد اسوان در مصر عیارگ حیاتی این کشور به شمار می رود و اگر آسیب ببیند، دره نیل را آب فرا گرفته و از مصر چیزی نخواهد ماند.

در این میان خبرگزاریهای غربی ادعا می کنند که عراق بیش از شروع جنگ چندین موشک اسکاد خود را به سودان منتقل کرده و آنها را به سوی سد اسوان و هرستان سعودی نشانه رفته است. دولت مصر در پاسخ به حرکات و تظاهرات ضد مصری در سودان و نیز در اعتراض به حمایت رژیم این کشور از عراق بخش سودانی دانشگاه قاهره را تعطیل کرده دفتر هواپیمائی مصر در خارطوم را بسته و نمایشگاه کتاب مصر در سودان را به تعویق انداخته است. وزیر کشور مصر نیز اعلام کرده است که از آغاز جنگ خلیج ۵۰۰ سودانی از مصر اخراج شده اند.

مبارک به اتحاد با رهبران سوریه در جنگ خلیج نیز نمی تواند زیاد اعتماد و اتکا کند زیرا بخش عظیمی از مردم سوریه حامی عراق هستند و سیاستهای این کشور می تواند هر لحظه دستخوش تغییر شود. در این میان اپوزیسیون مصر امید خود به ابتکار صلح از سوی مبارک را از دست داده و بر آن

بقیه در صفحه ۹

روز ۱۷ ژانویه شبکه های مختلف رادیو-تلویزیون مصر برنامه های خود را قطع کردند تا حسنی مبارک اهالی کشور را در مورد لزوم جنگ توجیه کند. او حرفهای خود را با بررسی روند بحران از ۲ اوت شروع کرد و ادعا نمود که اعزام نیروهای مصری به منطقه در چهارچوب قرار داد دفاعی میان کشورهای عرب بوده است. مبارک همچنین مدعی شد که مصر کماکان در کنار مردم عراق ایستاده است و عراق هم به اندازه کویت با ارزش است. به گمان مبارک ایجاد رابطه میان بحران، کویت و مسئله فلسطین از سوی صدام بی مورد است و این سیاست به شکست خواهد انجامید.

پس از بمباران های بغداد و بصره و... مردم مصر نسبت به سیاستها و حرفهای حسنی مبارک بیش از پیش بی اعتماد شده اند. نگرانی مردم مصر نسبت به بمباران شهرهای عراق تنها به همبستگی عربی آنها مربوط نمی شود، بلکه از این واقعیت نیز ناشی میشود که هم اکنون سه میلیون مصری در کشورهای خلیج فارس به کار و زندگی مشغولند و حتی ۲۰۰۰۰ نفر آنها در ارتش عراق خدمت می کنند. نگرانی نسبت به جان و سرنوشت این افراد نیز مردم مصر را نسبت به رویدادهای جنگ حساس و تاثیر پذیر کرده است.

حمله موشکی عراق به اسرائیل برای بسیاری از مصریها رویداد مهمی به شمار می آید. یک روزنامه نگار مصری به نام هازم در این باره می گوید: "اصابت موشکهای عراقی به تل آویو و حيفا در اسرائیل سبب خشونتی آشکار و پنهان بسیاری از مصریها شده است، زیرا تاکنون در همه جنگهای خاور میانه بمب هافقطدر شهرها و روستاهای عربی فرود آمده اند، گوئی که سرنوشت منطقه را فقط اسرائیلی ها رقم می زنند. حالا برای اولین بار مصریها احساس می کنند که اسرائیل نیز آسیب پذیر است. برای جلوگیری از تظاهرات دانشجویی بر ضد جنگ خلیج و سیاستهای مبارک، وزارت آموزش های مصر تعطیلات زمستانی دانشگاهها را تا ۹ فوریه تمدید کرده است.

یک نماینده مجلس از جناح اپوزیسیون در مصاحبه با روزنامه الاهالی می گوید: "اکنون وقت آن رسیده که دولت صریحاً اعلام کند که شرکت مصر در جنگ برای آزادی کویت است یا برای نابودی عراق". مردم مصر انتظار داشتند که مبارک در سخنرانی خود از ابتکار صلح سخن بگوید و یا به تلاش

میانگیرانه کشورهای عربی دیگر و یا جنبش غیر متعهدها اشاره های بکند. اما وی تنها گفت که پس از آزادی کویت، مصر با تمام نیرو برای صلح تلاش خواهد کرد. به گفته مبارک بدون خروج عراق از کویت و بدون بازگشت خاندان آل صاه به قدرت هیچ سخنی از آتش بس و صلح نمی تواند در میان باشد. بسیاری از مردم و محافل سیاسی مصر برآنند که مواضع مبارک مصر را در جهان عرب منزوی خواهد کرد. هم اکنون الجزایر و تونس برای ورود اهالی مصر به خاک خود مقررات کسب روادید وضع کرده اند. ستایش رئیس جمهور یمن از پایداری عراق که مثل برخی از کشورهای پس از عرو ز جان زده است (اشاره وی به جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیلی است که سوریه و مصر پس از ۶ روز به آتش بس گردن نهادند) موجب سردی بیشتر روابط دیپلماتیک میان مصر و یمن شده است. فلسطینی ها نیز بارها در تظاهرات خود در اردن و مناطق اشغالی خشم و نفرت خود را از سیاستهای مبارک به نمایش گذاشته اند. روابط مصر با سودان نیز پس از تظاهرات ضد مصری هفته گذشته در خارطوم به نازترین سطح خود رسیده است. در این تظاهرات پرچم مصر و تصویر حسنی مبارک به آتش کشیده شد و از دولت تقاضا شد که

برای اشتراك نثریات «بار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمربستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

| | | | |
|--------------------|----------------------------------|--------------|------------------|
| بهای اشتراك | <input type="checkbox"/> شش ماهه | اروپا | دیگر نقاط |
| نشریه «بار» | <input type="checkbox"/> یک ساله | ۱۱ مارک | ۱۳ مارک |
| | | ۲۱ | ۲۲ |

| | | | |
|--------------------|----------------------------------|--------------|------------------|
| بهای اشتراك | <input type="checkbox"/> شش ماهه | اروپا | دیگر نقاط |
| نشریه «اکثریت» | <input type="checkbox"/> شش ماهه | ۳۲ مارک | ۳۹ مارک |
| | <input type="checkbox"/> یک ساله | ۶۲ | ۷۶ |
| | | ۱۲۰ | ۱۵۰ |

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

| | |
|---|--|
| AKSARIYAT NO. 337 MONDAY 18 FEB 1991 | اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور |
| آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 1100 Aachen Germany | حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtparkasse Köln Germany |